

بررسی علل تحولات توسعه‌ای ژاپن (قسمت اول)

(چگونه یک کشور شرقی توانست در مدت کوتاهی به یک قدرت اقتصادی بزرگ تبدیل شود؟)

امیر باقر مدنی

(دکترای اقتصاد، استاد دانشکده اقتصاد «دانشگاه شهید بهشتی»)

دهه قبل از آن، یعنی با آغاز صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر به سال ۱۸۴۸ میلادی، تماس گسترده و پیوسته خود را با اروپا برقرار و شروع به انتقال روش‌های نو کرد. اما از همان ابتدا، رویارویی ژاپن با تمدن غرب متفاوت با ایران و سایر کشورهای آسیا، نظیر چین و غیره، بوده است. ژاپن به علت داشتن آمادگی‌های قبلی موفق شد تکنولوژی و افکار نو را به سرعت از اروپا و آمریکا اخذ و جذب، و از نظر قدرت اقتصادی و نظامی خود را قوی کند تا تحت سلطه قدرت‌های بزرگ قرار نگیرد. اما ایران، چین، هند و بقیه کشورهای آسیایی به لحاظ داشتن شرایط تاریخی و جغرافیایی متفاوت با ژاپن و ویژگی‌های فرهنگی ضد توسعه، موفق نشدند تمدن غرب را به خوبی هضم و جذب کنند؛ بنابراین نتوانستند همانند ژاپن در سایه رشد و قدرت اقتصادی خود آمادگی لازم را در مقابل تجاوزات و نفوذ غرب پیدا کنند و در دام استعمار گرفتار نشوند. نتیجه آنکه اکنون بعد از گذشت بیش از یک قرن فاصله کشور ما با غرب از نظر توسعه اقتصادی و رشد سیاسی، به جای کاهش، سال به سال، افزایش پیدا می‌کند. بدتر از همه اینکه با وجود برپایی صدها سمینار، کنفرانس و غیره هنوز نمی‌دانیم برای رهایی از این فقر و عقب ماندگی چه باید کرد.

اکنون مدتی است که در ایران فضای نقد و کنکاش در باب تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی رونق گرفته است. اما در این میان توجه بسیار اندکی به نقش و اهمیت تحول فکری و رشد فرهنگی جامعه، همان چیزی که در کشور ژاپن قبل از آغاز «جهش اقتصادی» اتفاق افتاد و مهمترین پیش نیاز رشد و توسعه اقتصادی است، مبذول می‌شود. بیشتر نویسندگان و روشنفکران کشور ما راه رسیدن به توسعه را در آزادی بیان و قلم می‌دانند و خواهان تشکیل سازمان‌ها و احزاب سیاسی مستقل هستند؛ گروه دیگری که توسعه اقتصادی را مقدم می‌شمارند، تاکید فراوان بر اقتصاد بازار آزاد، خصوصی‌سازی و غیره دارند و معتقدند که در غرب هم در ابتدا رونق و گسترش اقتصاد سرمایه‌داری، امکان برقراری آزادی‌های سیاسی را فراهم آورد.

تردید نیست که اقتصاد آزاد و آزادی‌های سیاسی هر دو از پیش نیازهای توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند اما همانطور که تجربه‌های ممالک اروپایی و سپس ژاپن نشان داده است، رشد سیاسی و توسعه اقتصادی، هر دو، در گرو تحولات فکری و آمادگی‌های فرهنگی است. بدون آمادگی‌های فرهنگی و بسترسازی، رشد و توسعه اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار و طولانی خواهد بود. در تایید این نظریه، می‌توان کشور هند را مثال آورد که با وجود دارا بودن نظام سیاسی دموکراتیک و احزاب سیاسی مستقل موفق به توسعه اقتصادی نشده است؛ زیرا مردم هند از نظر فکری و فرهنگی هنوز آمادگی‌های لازم را برای توسعه اقتصادی پیدا نکرده‌اند.^(۱) اما در مقابل کشور پر جمعیت چین با وجود داشتن نظام استبدادی طی دو دهه گذشته با تجدید نظر در ایدئولوژی کهنه خود، اکنون موفق شده با جذب صدها میلیارد دلار سرمایه خارجی با سرعت بیشتری در حال پیشرفت باشد. به همین ترتیب می‌توان ممالکی نظیر کره جنوبی و سنگاپور را مثال زد که با وجود داشتن

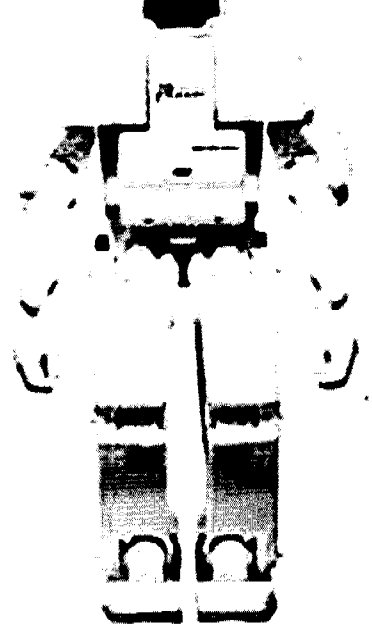
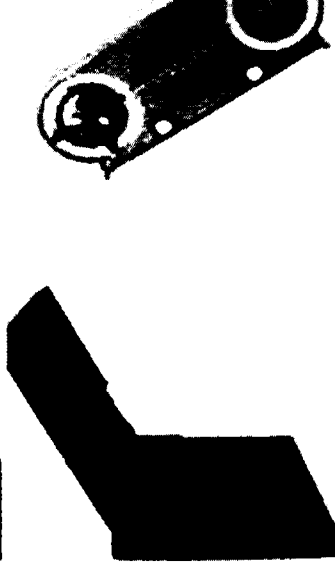
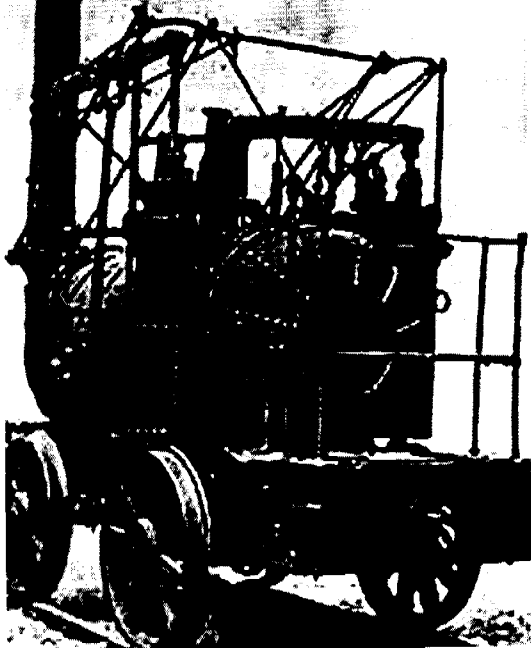
ژاپن یک کشور قدیمی است و گفته می‌شود نخستین امپراطوری آن ۶۰ سال قبل از میلاد مسیح تشکیل شد. این کشور که در منتهی‌الیه قاره آسیا قرار دارد از چهار جزیره بزرگ و حدود چهار هزار و دویست جزیره کوچک تشکیل شده است. جدا بودن ژاپن از قاره آسیا سبب شد تا از بسیاری جریانات خاک اصلی دور بماند. به طوری که اشاره خواهد شد همین موقعیت ویژه جغرافیایی یکی از عوامل اصلی پیشرفت سریع آن محسوب می‌شود. ساکنین اولیه ژاپن را «اینوها» تشکیل می‌دادند که برخلاف ژاپنی‌های قدیم دارای قد بلند و ریش انبوه بوده‌اند. بعضی از مورخین معتقدند که آن‌ها از قفقاز و از راه سیبری به ژاپن آمده بودند و بعد از ورود مهاجرین جدید به شمال، یعنی جزیره هکایدو، رانده شدند. اکنون آن‌ها، اقلیت کوچکی را در شمال کشور تشکیل می‌دهند. مردم ژاپن در مقایسه با بعضی ملل دیگر از نظر نژادی و قومی تقریباً یکسان و متجانس هستند. البته آن طور هم که تصور می‌شود ژاپنی‌ها از نظر نژادی خالص نیستند؛ وجود چهره‌های مختلف در این کشور بیانگر این واقعیت است. به هر حال نبود اختلاف‌های شدید نژادی و قومی یکی دیگر از عوامل موفقیت این کشور در رشد و توسعه سریع اقتصادی آن محسوب می‌شود.

هدف این نوشته ریشه‌یابی دلایل فرهنگی توسعه ژاپن است، تا بعضی از پیش‌نیازهای توسعه، شناسایی شود. روش مطالعه تاریخی و تطبیقی است، مقایسه شاخص‌های غیر اقتصادی توسعه را، از قرن شانزدهم به بعد، یعنی از دوره «آدو» به بعد، رانیز شامل می‌شود.

مقدمه:

ژاپن اولین کشور آسیایی است که در دهه‌های آخر قرن نوزدهم موفق شد دوره «خیز اقتصادی» را با موفقیت طی کند و در مدت نسبتاً کوتاهی به کشوری قدرتمند و پیشرفته صنعتی تبدیل شود. اما سایر ممالک این قاره با وجود تمایل و علاقه به پیشرفت و انتقال فناوری (تکنولوژی) و دانش جدید از غرب، نتوانستند همانند ژاپن عمل کنند. حال سوالی که ذهن بسیاری از مردم جهان به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته نظیر ایران را به خود مشغول کرده، این است که عوامل موفقیت ژاپن در کار پیشرفت و توسعه اقتصادی چه بوده است؟ به بیان دیگر چرا رشد و توسعه اقتصادی و متعاقب آن اقتصاد آزاد در کشور ژاپن پایه‌گذاری شد و در دیگر ممالک آسیا و آفریقا نشد؟ به نظر می‌رسد پاسخ را می‌توان در سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی این کشور طی قرون گذشته جستجو کرد.

همانطور که می‌دانیم ایران همزمان با ژاپن، حتی می‌توان گفت حدود دو



چند نظریه در باب رشد اقتصادی ژاپن

در ژاپن تا اواسط قرن نوزدهم نیروی خاصی که همانند غرب طرفدار نظام اقتصاد آزاد باشد وجود نداشت؛ به طوری که بعداً مشاهده خواهیم کرد بیشتر رهبران ژاپن تا نیمه قرن نوزدهم تحت تاثیر نوشته‌های فردریک لیست آلمانی، خواهان حمایت کامل از تولیدات داخلی بودند، ولی به تدریج به سوی سرمایه‌داری ارشادی گرایش پیدا کردند. ژاپن شناسان در ارتباط با علل پیشرفت و جهش اقتصادی ژاپن نظریه‌های مختلفی ارائه داده‌اند. در اینجا به طور خلاصه به چهار نظریه مختلف اشاره می‌شود:

۱. نظریه شرایط اقلیمی مناسب توسعه، که معتقد است ژاپن دارای آب و هوای معتدل مناسب برای رشد اقتصادی است. علاوه بر آن خاک این کشور همانند انگلستان، جدا از قاره اصلی قرار گرفته است. این جدایی از خاک اصلی مانع آن شده که در طول تاریخ اقوام وحشی و دشمنان خارجی بتوانند به آسانی به سرزمین ژاپن حمله کنند و برروند رشد و توسعه آن اثر بازدارنده داشته باشند و یا همانند سایر کشورها مورد استثمار منابع طبیعی و انسانی آن قرار گیرند.

۲. نظریه ثبات سیاسی، که معتقد است ۲۶۰ سال انزوای ژاپن و بستن دروازه‌های این کشور به جهان خارج مانع آن شده که اروپاییان بتوانند به آسانی بر آن نفوذ یافته و همانند دیگر کشورهای آسیایی در امور داخلی آن دخالت کنند. این کشور به خصوص از قرن شانزدهم به بعد موفق شد در سایه ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی به رشد مستمر خود ادامه دهد.

۳. اصلاحات اولیه در بخش کشاورزی، که از اواخر قرن شانزدهم در ژاپن شروع شد، ادامه پیدا کرده و به تجاری شدن کشاورزی در این کشور انجامید. این اصلاحات شامل ثبت حق مالکیت قطعی زمین، اصلاح نظام مالیاتی، آموزش کشاورزی، توسعه ارتباطات بین روستاها و تاسیس صنایع روستایی می‌شد. یک ژاپن‌شناس آمریکایی از این اصلاحات کشاورزی به عنوان «انقلاب تجاری» ژاپن یاد می‌کند.

۴. فرهنگ، ارزش‌ها و خلیقیات مناسب توسعه، بعضی از نویسندگان از جمله ماکس وبر، با اشاره به رفتار و خلیقیات ژاپنی‌ها که تشابهات زیادی در آن با اخلاق و فرهنگ پرتستانیزم در اروپا مشاهده می‌شود بر این باور هستند که نزدیکی بین دو فرهنگ سبب شده که ژاپن موقع رویارویی با فرهنگ و تمدن غرب آن را به آسانی بپذیرد و با سرعت پیشرفت کند. اگر این نظریه را بپذیریم، می‌توان نتیجه گرفت که در سایر ممالک آسیایی تا به حال همین تفاوت‌های فکری و ارزشی با غرب مانع بزرگ بر سر راه هضم و جذب

حکومت‌های استبدادی، از دهه ۱۹۸۰ به بعد موفق به رشد و توسعه اقتصادی شده‌اند، چرا که در این کشورها به دلیل انعطاف‌پذیری فرهنگی، مقاومت در مقابل تغییر و تحول اندک بوده است.

با توجه به اینکه کشور ژاپن در سایه موفقیت‌های تحسین برانگیز خود از گذشته‌های دور برای بسیاری از ایرانیان یک الگو بوده است، جهت آشنایی بیشتر با رمز پیشرفت ژاپن و بهره‌برداری از تجربیات این کشور در کار توسعه در این نوشتار بعضی از تحولات فکری و فرهنگی آن طی قرون متمادی، یعنی از آغاز سلسله کاماکورا در ۱۱۸۵ میلادی به بعد، به اختصار مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ تحولات این دوران بود که پایه‌گذار رشد سیاسی و جهش اقتصادی ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم محسوب می‌شود.

سرعت پیشرفت ژاپن

قبل از پرداختن به دلایل پیشرفت ژاپن، جهت نشان دادن سرعت رشد و توسعه ژاپن به نوشته هاسه گاوانیوزکان یکی از متفکرین نیمه دوم قرن بیستم ژاپن اشاره می‌شود:

شاید کمی اغراق آمیز به نظر برسد اگر بگویم ژاپنی‌هایی که اکنون در قید حیات هستند و در اوایل سلطنت امپراتور میجی متولد شده‌اند در طول مدت زندگی‌شان شاهد یک دوره تحول و پیشرفت ژاپن، مشابه آنچه در اروپا که دو تا سه قرن به درازا کشید، بوده‌اند. من یکی از آن ژاپنی‌ها هستم.

هاسه گاوانیوزکان، یکی از متفکرین برجسته ژاپن است که با نوشته‌های خود سهم زیادی در برقراری نظام دموکراسی در کشور خود داشته است. وقتی او در توکیو، به سال ۱۸۷۵ میلادی به دنیا آمد، هفت سال از زمان سرنگونی نظام فئودالیت می‌گذشت اما این شهر که «ادو» نامیده می‌شد هنوز کم و بیش حالت دوران فئودالیت را حفظ کرده بود. قصر محل سکونت فئودال، خیابان «یوشی‌وارا» منطقه تفریحات شبانه مردم شهر و بعضی از آثار و بناهای دیگر عهد گذشته به همان حالت قبلی خود باقی بود، اما موقع مرگ هاسه گاوانیوزکان در سال ۱۹۶۹، ژاپن در زمینه‌های مختلف صنعتی، تجاری و اجتماعی به موفقیت‌های بزرگی نایل آمده و به یک قدرت بزرگ اقتصادی تبدیل شده بود. شهر توکیو هم به کلی از حالت قبلی خود خارج و به یک شهر مدرن اروپایی تبدیل شده بود. برج معروف توکیو و محل بازی‌های المپیک سال ۱۹۶۴ در مرکز شهر احداث شده بود. مهمتر از همه نظام دموکراسی سیاسی که هاسه گاوا به شدت خواستار آن بود در ژاپن به خوبی جا افتاده بود.

دانش جدید و افکار نو بوده است.

اما نتیجه گیری نهایی در مورد اینکه کدام یک از چهار نظریه فوق را باید عامل اصلی یا محرک رشد و توسعه سریع ژاپن به حساب آورد شاید کار آسانی نباشد، اگر چه گفته می شود هر یک از عوامل یاد شده به نحوی، سهمی در موفقیت این کشور داشته اند؛ البته به نظر نگارنده، ویژگی های فکری و فرهنگی مردم این کشور که شباهت زیادی با اخلاق پرستانیزم در اروپا دارد، بیشترین نقش را در اخذ سریع تمدن غرب و توسعه اقتصادی ژاپن داشته است که در نوشته حاضر به بررسی آن خواهیم پرداخت. اما با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی ژاپن ابتدا اشاره مختصری هم به وضع اقلیمی این کشور و تاثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی می شود.

دور افتادن جزایر ژاپن از خاک اصلی آسیا علاوه بر اینکه حمله و تجاوز بیگانگان و اقوام وحشی به خصوص مغول ها را به این کشور غیر ممکن کرد، موجب شد که مردم ژاپن بتوانند بدون مخلوط شدن با نژادها، زبان ها و مذاهب مختلف بیگانه تجانس خود را حفظ کنند و برخلاف برخی کشورهای دیگر دارای زبان، نژاد و ارزش های مختلفی نباشند. به هر حال، تنوع قومی و نژادی، نمی تواند دارای آثار مثبتی بر روند پیشرفت یک کشور باشد. از قرن هجدهم به بعد که کشورهای اروپایی به فکر پیدا کردن بازارهای تجاری و مستعمرات در آسیا افتاده بودند همین دوری فاصله سبب شد که آن ها دیرتر به گشودن دروازه های دور از دسترس ژاپن اقدام کنند. این کشور توانست در فرصت به دست آمده با مشاهده تجربه اسفناک ممالکی نظیر چین و هند به سرعت خود را از نظر قدرت نظامی و اقتصادی قوی ساخته، با آمادگی های بیشتری با قدرت های غربی مواجه شود و همانند بسیاری از ممالک دیگر در دام استعمار گرفتار نشود.

ویژگی های فکری و فرهنگی مردم ژاپن و تشابه آن با فرهنگ اروپا

اگرچه تا به حال در ایران درباره رشد و پیشرفت ژاپن، کتب و مقالات زیادی نوشته شده است، اما درباره شکل گیری خلیقات و ارزش های حاکم بر ژاپن که ریشه اصلی پیشرفت آن در گذشته های دور محسوب می شود مطالب زیادی به چشم نمی خورد. به همین جهت دلایل اصلی رشد سریع اقتصادی ژاپن هنوز برای بسیاری از مردم کشور ما کاملاً روشن نشده است. در بیشتر نوشته هایی که موضوع رشد اقتصادی ژاپن را مورد بررسی قرار داده اند به رشد صنعتی این کشور بعد از جنگ جهانی دوم یعنی طی نیم قرن گذشته و با در نهایت به رستاخیز امپراتور میچی در سال ۱۸۶۷ و تحولات بعد از آن اشاره شده است. در حالی که برای آشنایی بهتر با دلایل پیشرفت سریع و به موقع ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم که ریشه در وقایع و تحولات تاریخی آن کشور دارد باید تحولات و پیشرفت های دوره سلسله توکوگاوا (۱۸۶۷ - ۱۶۰۳) و حتی وقایع قرن ها قبل از آن یعنی بعضی از تغییرات و اصلاحات دوره سلسله کاماکورا (۱۳۳۶ - ۱۱۸۵) را که به تفکیک قدرت در ژاپن انجامید، مورد بررسی قرار داد.

تفکیک قوا در ژاپن

ژاپن تا قرن دوازدهم میلادی مانند بیشتر ممالک آسیا دارای نوعی حکومت یزدان سالاری بود، که در آن پادشاه مشروعیت الهی داشت و با استبداد تمام بر ملت خود حکومت می کرد. نحوه اندیشیدن و گفتار مردم در کلیه سطوح تحت کنترل حکومت قرار داشت. امپراتور علاوه بر آن که دارای قدرت سیاسی زیادی بود، مقدس ترین انسان روی زمین هم محسوب می شد. یعنی نیروهای سیاسی و مذهبی در یک شخص متجلی بود. او مورد احترام همه بود؛ وجودش را پرستش می کردند و فرمانبردار او بودند. طبعاً وقتی ملتی به فرمانروای خود به صورت موجود مطلق العنان نگاه کند، او قادر خواهد

بوده آسانی همه را بردگان فکری خود سازد. در چنین جامعه ای آزادی اندیشه و ابتکارات فردی از بین می رود و تمام افراد جامعه خواه ناخواه در یک سمت که خواست حاکم است، حرکت می کنند.

در اواخر قرن دوازدهم میلادی، با روی کار آمدن سلسله «کاماکورا» به سال ۱۱۸۵، ژاپن شاهد تحولات تازه ای شد. شوگون (فرمانده نظامی)، موفق شد با نیروی بازوی خود بر رقیبان مسلط شود و نظم و قانون را در کشور برقرار کند. با به قدرت رسیدن نظامیان، به تدریج موقعیت سیاسی خانواده سلطنتی رو به ضعف گذاشت و دربار امپراتوری به جای مرکز سیاست و تصمیم گیری های مهم به یک محفل شعرخوانی و خوش گذرانی تبدیل شد. بر اثر این تغییرات چارچوب سیاسی کشور دگرگون و قدرت و اختیارات بین امپراتور و فرمانده نظامی تقسیم شد.^(۲) در واقع از این تحول می توان به عنوان جدا شدن دین از دولت یا تقسیم قدرت بین مرد مقدس و مرد قدرتمند نام برد. این جریان در نهایت به محدود شدن سلطه و نفوذ معابد در اداره امور کشور منتهی شد. امپراتور در راس قوه قضایی و اداری قرار گرفت و شوگون (سپهسالار) در راس ارتش بود. هر یک از آن ها به طور جداگانه در محدوده اختیارات شان بر کشور حکومت می کردند. به این ترتیب در ژاپن بر خلاف سایر ممالک آسیایی به جای یک عنصر قدرت دو عنصر وجود داشت. مقدس ترین شخص کشور الزاماً قدرتمندترین شخص نبود. در نتیجه اداره تمام امور کشور و گرفتن تصمیمات در يد قدرت یک فرمانده مستبد قرار نداشت، بلکه بین امپراتور و شوگون تقسیم شده بود. قدرت نظامی در مقابل قدرت سلطنت قرار داشت. یعنی مفهوم تقدس و قدرت از هم تفکیک شده بودند. چون هیچکدام از این دو مرجع قدرت بر دیگری تفوق نداشت، نوعی تعادل قدرت در ژاپن برقرار شد.

یکی از آثار خوب وضع جدید ایجاد رودرویی و رقابت بین دو قدرت حاکم بود. گاهی انتقادات آن ها از اعمال یکدیگر سبب افشاکاری و انتقال اطلاعات به بیرون می شد. مردم به این ترتیب به اصطلاح از آنچه در پشت پرده می گذشت آگاه می شدند. شاید بتوان وجود دو نیروی جدا از هم در یک کشور را در آن زمان با احزاب سیاسی موجود در کشورهای دموکراتیک مقایسه کرد. در ژاپن رودرویی دو قدرت حاکم بر کشور دایره اندیشیدن و قدرت تحلیل مردم را تقویت کرد که در آن زمان دارای اطلاعات محدود و افکار ساده ای بودند؛ همینطور روحیه آزاداندیشی در آنان را قوت می بخشید. به طور کلی این تحولات در شکل گیری مبانی فکری جدید، ارزش های اخلاقی و اجتماعی تازه، به خصوص در نحوه برداشت ژاپنی ها از مذهب بسیار مؤثر بود. روحیه انطباق پذیری و تعدد مذاهب که در دوره سلسله کاماکورا با تضعیف قدرت استبداد و یزدان سالاری حادث شده بود، در دوره سلسله توکوگاوا (۱۸۶۷ - ۱۶۰۳) با برقراری ثبات و آرامش در کشور وسعت و دامنه بیشتری یافت. در سایه این تغییرات و تحولات بود که مردم ژاپن از خصوصیات اخلاقی و فکری ویژه ای برخوردار شدند که لازمه رشد و توسعه اقتصادی است. با داشتن همین خصوصیات ویژه فرهنگی بود که ژاپنی ها در دوره رستاخیز امپراتور میچی موفق شدند به سرعت افکار نو و فناوری (تکنولوژی) پیشرفته غرب را جذب و هضم کنند و به آسانی خود را با آن تطبیق دهند.

تفکیک قدرت در ژاپن نه تنها سبب شد مردم این کشور کمتر از دیگر ممالک آسیایی در حوزه زیاده روی ها و خودسری های رهبران خود قرار بگیرند، بلکه با جدا شدن دین از سیاست، معابد فاقد قدرت و اعتبار سیاسی شد. لذا در ژاپن هیچ وقت روحانیون مستبد و با نفوذ وجود نداشته است. به همین جهت در نیمه دوم قرن نوزدهم، زمان گشودن دروازه های ژاپن و اخذ تمدن جدید و افکار نو، بر خلاف سایر ممالک آسیایی تضاد و اختلاف نظر بین روشنفکران و روحانیون بروز نکرد و رهبران ژاپن موفق شدند روش ها و ارزش های نو را در مدت کمی جایگزین بعضی از سنت های گذشته کنند؛ اما در دیگر ممالک آسیایی نظیر چین که در آن تنها یک مرجع قدرت بود؛ مرد

قدرتمند و مرد مقدس یک نفر بود و مردم بالاچار او را نماینده خدا در روی زمین می شناختند. در ایران شاهان لقب سایه خدا را داشتند؛ چنین مرجعی به تهایی تصمیم می گرفت و مردم را به هر طرف که اراده می کرد، می کشید. ملت پیوسته در حوزه زیاده روی های شاه مستبد قرار داشتند. در نتیجه، در چین، نحوه تفکر مردم و ارزش های حاکم بر جامعه و برداشت ها از زندگی به طریق دیگری رشد یافت که کاملاً متفاوت با ژاپن بود. البته، تقسیم قدرت در ژاپن باستان را نباید به معنی از بین رفتن استبداد و ظلم نسبت به رعایا تلقی کرد.

پیشرفت های صنعتی و کشاورزی در دوره سلسله توکوگاوا (۱۸۶۷-۱۶۰۳)

همانطور که مشاهده شد تفکیک قوا در ژاپن در قرن دوازدهم میلادی به تضعیف استبداد دولت و کاهش نفوذ معابد در کشور انجامید که در شکل گیری مبانی فکری، ارزش های اجتماعی و انطباق پذیری مردم که از پیش نیازهای اصلی رشد توسعه اقتصادی است، بسیار مؤثر بوده است.

از اوایل قرن شانزدهم میلادی با روی کار آمدن سلسله توکوگاوا رهبران مقتدر آن موفق شدند اصلاحات بسیاری را در زمینه های مختلف آغاز کنند. در این بخش بعضی از اصلاحات مهم دوره توکوگاوا مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. شایان توجه است که ژاپن شناسان تا اواسط قرن بیستم یعنی حدود ۵۰ سال پیش در نوشته های خود تنها به آثار بد و نامطلوب دوره سلسله توکوگاوا توجه داشته و از آن دوره به عنوان مرحله آخر فئودالیسم ژاپن یاد کرده اند. اما مطالعات نیم قرن اخیر، تفکر پیشین را در این مورد مردود می داند. براساس تحلیل های متاخرتر، گفته می شود این دوره از تاریخ ژاپن نقش بسیار مهمی در آماده سازی مردم برای آغاز خیز اقتصادی در عهد میجی، در دهه های آخر قرن نوزدهم، داشته است.

ژاپن شناسان پیشرفت های دوره توکوگاوا را پایه گذار اصلاحات اساسی دوره امپراتور میجی و سر آغاز پیدایش یک جامعه تجاری در ژاپن به حساب می آورند. در این دوره بود که ژاپن به تدریج از مرحله فئودالیسم به یک نظام سرمایه داری مدرن و صنعتی تبدیل شد و متعاقب آن مهندسی رشد سریع اقتصاد ژاپن طراحی شد. با توجه به اهمیت و نقش ثبات و آرامش کشور در توسعه اقتصادی که در دوره سلسله توکوگاوا تحقق یافت، در ابتدا، به اختصار، چگونگی تشکیل دولت قوی مرکزی و تفوق آن بر لردهای فئودال می پردازیم.

تشکیل دولت مرکزی

بعد از تاسیس دولت توکوگاوا اولین اقدام مهم رهبران آن، تشکیل یک دولت نیرومند و قوی مرکزی بود که در آن شوگون یا فرمانده نظامی بر لردهای فئودال برتری داشت. این حاکمیت دولت مرکزی بر تمام نواحی ژاپن، اتحاد ملی و ثبات سیاسی را که ژاپن به آن نیاز داشت به وجود آورد.

حاکمان ژاپن، هیده یوشی و بعد از او دی یاسوتوگوگاوا، ضمن تقویت موقعیت خود و تحت کنترل در آوردن قدرت های منطقه ای، اعطای بعضی اختیارات به لردهای فئودال و پشتیبانی لازم از آن ها را ضروری تشخیص داده بودند. تصور بر این بود که لردها با داشتن بعضی اختیارات، بهتر می توانند منطقه تحت اختیار خود را اداره کرده و از مخالفت ها و شورش های محلی که به ضرر دولت مرکزی هم بود جلوگیری کنند. سازوکار (مکانیزم) کنترل مرکزی همرا با حفظ تعادل قوا بین قدرت های محلی و مرکز، سبب تقویت رقابت بین نیروهای حاکم، امپراتور، اریستوکراسی دربار، روحانیون و معابد لردهای فئودال و شوگون شد؛ این به ادامه صلح و آرامش کمک کرد. باید اضافه کرد که شوگون از بقیه آن ها قوی تر بود. (۳)

برقراری صلح و امنیت علاوه بر اینکه شهرگرایی را افزایش داد با ترغیب سرمایه گذاری، رشد و توسعه اقتصادی ژاپن را هم تسریع بخشید. افزایش

انگیزه های سرمایه گذاری به نوبه خود به افزایش تولید و رونق بازرگانی ژاپن کمک کرد، طبقه بازرگان و سرمایه داران جدید پا به عرصه وجود گذاشتند. به این ترتیب توسعه اقتصادی ژاپن که در نتیجه افزایش تولید و رونق بازرگانی حاصل شده بود، به رونق اقتصاد پولی و رواج پولی استاندارد در دوره توکوگاوا کمک کرد. به طوری که در ادامه خواهیم دید پیشرفت بخش کشاورزی هم محرکی بود برای انتقال فنون تازه، نظیر استفاده از کود و بذرهایی پیشرفته. به این ترتیب در برخی از نواحی ژاپن تولیدات کشاورزی، مازاد بر مصرف روستاییان شد.

رشد کشاورزی در توکوگاوا

یکی از اقدامات مهم فرمانروایان سلسله توکوگاوا توجه به اصلاح و توسعه کشاورزی ژاپن بود. این اصلاحات از اواخر قرن شانزدهم با یک رشته اقدامات دولت مرکزی و با همکاری لردهای فئودال به مرحله عمل درآمد و در نهایت به افزایش سطح تولید و تجاری شدن کشاورزی انجامید. بالا رفتن سطح تولیدات کشاورزی در بیشتر مناطق، امکان عرضه مازاد بر مصرف کشاورزان را به بازار فراهم آورد و پایه های اقتصادی دولت و لردهای فئودال را قوی تر ساخت. (۴)

اصلاحات کشاورزی ژاپن بسیار گسترده بود. همانطور که قبلاً اشاره شد، این اصلاحات شامل احیای زمین، استفاده از زمین های مزروعی تازه، کاربرد فنون تازه در کشاورزی، اصلاح نظام مالیاتی زمین و اعطای آزادی های بیشتر به روستاها در اداره امور ده (خودیاری)، کاهش فعالیت دولت مرکزی در کار تولید، تغییر در نحوه مالکیت زمین و آشنایی کشاورزان با روش های پیشرفته کشاورزی بود. این اصلاحات به مدت دو قرن ادامه داشت و در اواخر قرن هجدهم با پیشنهاد تشکیل اداره نظارت بر امور کشاورزی، بخش کشاورزی پایه اقتصاد ملی شد. (۵)

جهت آشنایی با اصلاحات اولیه انجام شده در بخش کشاورزی ژاپن در دوره توکوگاوا، و درس گیری از آن تجربه، در اینجا به مطالعه و شرح سیاست های آن می پردازیم:

۱. احیای زمین و استفاده از زمین های تازه: یکی از اقدامات دولت توکوگاوا در جهت بالا بردن سطح تولید، احیا و زیر کشت بردن زمین های تازه بود که در تمام طول مدت حکومت توکوگاوا مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر دولت بخش خصوصی هم با تشویق های انجام شده سطح زیر کشت را، از طریق بهره برداری از جنگل ها، زمین های کنار رودخانه ها و باتلاق ها، به دو برابر افزایش داد و این افزایش تا پایان دوره توکوگاوا ادامه داشت. (۶)

۲. استفاده از ابزار و فنون تازه: استفاده از بذرهایی بهتر و کود شیمیایی در ژاپن پیش از روی کار آمدن توکوگاوا، یعنی از دوره سن گوکو (۱۵۶۰-۱۴۶۷)، شروع شده بود. در این دوره پایه سازمانی تازه ای بنا نهاده شد و عواملی که مانعی بر سر راه رشد کشاورزی بودند، برداشته شدند. با شروع دوره توکوگاوا، استفاده از فنون تازه بسیار با اهمیت تلقی شد. به خصوص در نیمه دوم دوره توکوگاوا (۱۸۶-۱۷۰۰). کاربرد روش های نو در کشاورزی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و به بازدهی زمین و نیروی کار انجامید.

استفاده از فنون تازه سبب شد که کشاورزان مدت زمان کمتری به کار مشغول شوند و ساعات فراغت از کار آن ها افزایش پیدا کند؛ به این ترتیب آنان توانستند به فعالیت های غیر کشاورزی به ویژه اشتغال در صنایع روستایی بپردازند. از طرف دیگر با کاربرد روش های پیشرفته در کشاورزی که سبب افزایش بازدهی نیروی کار شده بود، قسمتی از نیروی کار مازاد خارج شده و در صنایع روستایی در حال تاسیس به کار مشغول شدند، زیرا بالا رفتن سطح درآمد روستاییان موجب افزایش تقاضای کالاهای ساخته شده و نیمه تمام شده بود، و احداث این قبیل صنایع رو به رونق بود. (۷)

به عقیده کارشناسان تلاش دولتمردان توکوگاوا در جهت پیدا کردن

روش های جدید کشت بسیار پرثمر و اثر بخش بوده است. علاوه بر بالا رفتن سطح تولید نتایج مثبت بسیار دیگری هم داشته است. از جمله تقسیم کار در بخش کشاورزی، افزایش انگیزه روستاییان به کار، تخصصی شدن مناطق مختلف کشور در تولید محصولات خاص و رونق گرفتن مبادله کالا بین مناطق مختلف کشور. تدابیری نظیر ایجاد تخصص منطقه‌ای یا تخصیص دادن مناطق مختلف به تولید محصولات کشاورزی خاص که در واقع همان استفاده از مزیت‌های نسبی بخش‌های مختلف در داخل کشور بود سبب رونق هرچه بیشتر تجارت داخلی و سپس افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی شد. محقق آمریکایی به نام اسپنسر که مطالعات وسیعی درباره ژاپن انجام داده است از این تغییر و تحول در بخش کشاورزی ژاپن، به عنوان انقلاب تجاری یاد می‌کند که بعدها امکان ورود آسان ژاپن را به بازارهای جهانی فراهم کرد. (۸) طبق آمار و ارقام منتشره، میانگین رشد تولیدات کشاورزی و رشد بازدهی نیروی کار ژاپن در سال‌های ۱۹۱۷-۱۸۷۸ به ترتیب ۲/۳ و ۲/۶ درصد برآورد شده است که به نظر کارشناسان موفقیت بزرگی با استانداردهای بین‌المللی محسوب می‌شود. (۹) به طور متوسط $\frac{1}{3}$ تا $\frac{2}{3}$ این تولیدات از مناطق کشاورزی روانه بازار می‌شد.

۳. اصلاح نظام مالیاتی: یکی از تحولات عمده دیگر در کشاورزی ژاپن که در زمان هیده‌یوشی در دهه آخر قرن شانزدهم پایه‌گذاری شد اصلاح نظام مالیاتی و اخذ میزان صحیح مالیات از روستاییان، بر حسب وسعت زمین و درآمد افراد، بود. واضح است این اقدام در افزایش انگیزه کار و تلاش در کشاورزان بسیار مؤثر بوده است. برای این که ارزش هر زمینی بر حسب منطقه‌ای آن برای گرفتن میزان مشخصی مالیات معلوم شود به دستور هیده‌یوشی تمام زمین‌های کشاورزی و مسکونی در سراسر ژاپن اندازه‌گیری شد. این کار بزرگ و پیچیده حدود ۴۰۰ سال پیش انجام گرفته است. با تهیه آمار و ارقام لازم برای مأمورین وصول مالیات در هر منطقه و دهی از کشور، اطلاعات مربوط به نام مالک، میزان بازدهی زمین او و کل تولید هر منطقه و کل محصول کشور مشخص شده بود. هیده‌یوشی با این اقدام علاوه بر گرفتن مالیات صحیح از کشاورزان موفق به برآورد میزان کل تولید غله کشور و محاسبه ثروت ملی شد. مهمتر از همه او توانست با مشخص کردن میزان مالیات پرداختی هر خانواده، مانع آن شود تا مأمورین جمع‌آوری مالیات یا مقامات محلی قسمتی از مالیات اخذ شده را به جیب خود بریزند. به این ترتیب با این اقدام دولت مرکزی، مسوولین محلی هم فرصت اخذی از کشاورزان و استثمار آن‌ها را نداشتند.

هیده‌یوشی برای اطمینان از موفقیت برنامه خود در کار اندازه‌گیری زمین‌ها، سعی در جلب همکاری کشاورزان کرد. به این منظور به آن‌ها اجازه داد قسمت کوچکی از زمین‌های خود را خارج از نظارت مأمورین مالیاتی برای خود نگاهداشته و از آن بدون پرداخت مالیات بهره‌برداری کنند. این کار که به منظور تشویق کشاورزان به تولید بیشتر انجام گرفته بود در بسیاری از مناطق کشور با موفقیت همراه بود؛ در نتیجه کشاورزان تولید مازاد بر مصرف داشتند. این اقدام، سه قرن بعد در اوایل دهه ۱۹۳۰ توسط جوزف استالین رهبر شوروی سابق بکار گرفته شد. استالین برای خواباندن شورش‌های دهقانی و جلب رضایت دهقانان به آن‌ها اجازه داد زمین‌های کوچکی را به مالکیت خود در آورند، این اقدام او به افزایش تولید در شوروی سابق کمک مهمی کرد. (۱۰)

۴. تاسیس بازارهای محلی جهت مبادله تولید مازاد بر مصرف کشاورزان، با توجه به نیاز شهرنشینان به مواد غذایی؛ دولت توکوگاوا در نقاط مختلف کشور اقدام به تاسیس بازارهای محلی کرد. این اقدام موجب تشویق هرچه بیشتر کشاورزان به تولید و فروش محصولات مازاد بر مصرف در این بازارها شد. با ادامه تشویق‌ها تقویت دولت رو به گسترش گذاشت. با توجه به موفقیت این بازار در رونق اقتصاد ژاپن، لردهای فتودال هم علاقه‌مند شدند در مناطق تحت قلمرو خود به موازات دولت مرکزی اقدام به گشودن بازارهای مبادله کالاها را در کشاورزی کنند. این اقدامات همراه با تسهیلات مختلف دیگر شوق و انگیزه کار و تلاش بیشتر را در روستاییان افزایش داد و به تولید بیشتر انجامید. دولت با آگاهی از افزایش درآمد و قدرت خرید روستاییان و کشاورزان بزرگ، آن‌ها را راهنمایی و تشویق به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و تجاری کرد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها همه به نوبه خود بر رونق کار و تولید در روستاها کمک کرد.

طبق برآورد بعضی از محققین در سایه سیاست‌های دولت توکوگاوا در اواسط قرن نوزدهم، $\frac{1}{3}$ تا $\frac{2}{3}$ تولیدات کشاورزی، به خصوص محصول برنج مازاد بر مصرف روستاها بود که روانه بازارهای محلی و سپس از طریق بازرگانان روانه مناطق مختلف کشور می‌شد. این تولیدات علاوه بر غلات شامل سایر تولیدات کشاورزی، نظیر پنبه، چای، کاغذ، نخ، ابریشم و غیره می‌شد.

بر اساس بررسی‌های وارد در قرون هجده و نوزده بخش کشاورزی و سایر فعالیت‌های روستاییان ژاپن تامین‌کننده اصلی منابع لازم برای توسعه سیستم ارتباطات و صنعتی شدن ژاپن بوده‌اند. تا سال ۱۸۸۱ به طور متوسط ۷۸ درصد درآمد دولت از مالیات بر زمین تامین می‌شده است. دولت به منظور رشد هرچه بیشتر بخش کشاورزی قسمتی از مالیات را صرف تجربیات تازه در تولیدات کشاورزی و آموزش کشاورزان با روش‌های جدید تولید می‌کرده است. اما قسمت عمده آن به صنعتی کردن کشور، توسعه راه‌ها و تامین قدرت دفاعی ژاپن اختصاص داده می‌شد. (۱۱)

۵. مالکیت قطعی زمین: از اصلاحات مهم دیگری که در دوره توکوگاوا انجام گرفت و انگیزه کار و تلاش را در کشاورزان بیشتر کرد، تثبیت حق مالکیت زمین بود که با اصلاح قانون مالکیت زمین و دادن سند مالکیت قطعی زمین و نیز ثبت نام روستاییان مالک در سند مالکیت آن‌ها انجام گرفت. این اقدام دولت علاوه بر تشویق کشاورزان به تولید بیشتر سبب شد که آن‌ها با علاقه و رغبت بیشتری سهم خود را به دولت بپردازند.

۶. تقسیم کار و تخصصی شدن تولید: یکی از ویژگی‌های دوره توکوگاوا تخصصی شدن تولید در این دوره است. درآمد ساکنین روستاها که با افزایش تولید افزایش پیدا کرده و قدرت خریدشان بیشتر شده بود علاقه به خرید کالاها صنعتی و صنایع دستی نشان می‌دادند. به این جهت تقاضا به خرید صنایع روستایی همانند شهرها در روستاها نیز رو به افزایش گذاشت. این افزایش تقاضا موجب پیدایش اقتصادی شد که در آن صنایع روستایی علاوه بر مصرف شهرها باید جوابگوی نیازهای جدید روستاها نیز می‌شدند.



کشاورزان قسمتی و یا تمام تولیدات صنایع دستی خود را در بازار عرضه می کردند. بعضی از کالاهایی که در آن موقع در روستاها تقاضا پیدا کرده اما قبلاً مورد استفاده نبود عبارت بودند از رنگ، نخ، دغال و غیره. قبل از دوره توکوگاو روستاییان ژاپن برای تهیه لباس از نوعی کتف و یا از ابریشم استفاده می کردند. از نیمه دوم دوره توکوگاو با افزایش درآمد ها پوشیدن لباس های کتان؛ استفاده از روغن برای روشنایی، همچنین مصرف دخانیات متداول شد، که خود بیانگر بهبود سطح زندگی روستائینان و تغییر نحوه زندگی آنها است.

مطالعات انجام شده نشان می دهد که در این دوره ۳۰ درصد شاغلین بخش کشاورزی ساکن در روستاها شغل دوم هم داشتند. آنها به کار در صنایع روستایی و یا به کار خرید و فروش مشغول بودند. رشد و پیشرفت تولیدات غیر کشاورزی ژاپن در مناطق روستایی انجام می گرفت و روستاهای مختلف جهت تصاحب بازارهای تازه با هم در رقابت بودند.

این دولت مرکزی ژاپن بود که از طریق تاسیس بازارهای محلی و تشویق رستاییان به فروش مازاد تولیدات کشاورزی و صنایع دستی خود در این بازارها کمک به افزایش تولید و مبادله کالا در بین مناطق مختلف کشور نمود و سبب شد روستاهای ژاپن در تولید و عرضه کالاهای متنوع تخصص پیدا بکنند؛ این در حالی بود که قبلاً داد و ستد و بازرگانی تنها در دو شهر مهم توکیو و اوزاکا و شهرهای کوچک اطراف آنها انجام می گرفت. مناطق کاتو و توسان در نزدیک توکیو در صنایع ابریشم بافی و منطقه کینای در مرکز جزیره هتسشو در تولید پارچه های پنبه ای تخصص داشتند. رواج بازرگانی داخلی که از دوره توکوگاو با کمک و تشویق دولت انجام گرفت سبب شد ژاپنی ها با آشنایی و تجربه ای که در کار بازرگانی داخلی پیدا کرده بودند بعد از باز شدن مرزهای کشور در دوره امپراتور میجی به آسانی به تجارت خارجی رو آوردند. همزمان با توسعه صنایع روستایی و باز شدن بنادر تازه در اواخر دهه ۱۸۵۰ مراکز تولید از غرب ژاپن به شرق کشور انتقال پیدا کرد، به این علت که بازارهای خارجی بیشتر تقاضا به چای و ابریشم داشتند که در درجه اول روستاهای شرق ژاپن در تولید آنها تخصص داشتند. این تحول تازه به تقسیم کار و گرایش از کشاورزی سنتی به کشاورزی تجاری در منطقه شرق منجر شد. گفتنی است با وجود اتخاذ سیاست انزوا و محدودیت های تجارت با خارج که از سال ۱۶۳۶ انجام گرفت از قرن شانزدهم که پای اروپاییان به بنادر ژاپن باز شده بود، لردهای فئودال با همکاری شهرهای آزاد پرتهالی ها، اسپانیایی ها و چینی ها را تشویق به آمدن به بنادر ژاپن و مبادله کالا می کردند. این نوع فعالیت های تجاری غیر قانونی که به دور از نظار مامورین دولتی انجام می گرفت طبعاً بدون پرداخت عوارض گمرکی بود که خود سبب افزایش درآمد و ثروت آن تعداد از لردهای فئودال می شد که به این طریق به کار قاچاق کالا ادامه می دادند. آنها از نظر قدرت مالی در موقعیتی بهتر از لردهایی قرار گرفته بودند که منبع درآمدشان تنها از طریق دریافت مالیات از کشاورزان بود. سیاست انزوا و ممنوعیت تجارت با خارج که به خوبی عملی نمی شد، در سال ۱۸۵۲ بعد از باز کردن اجباری مرزها خواه ناخواه برداشته شد.

۷. برنامه های ترویج کشاورزی و عمران روستاها؛ دولت توکوگاو از ابتدای تاسیس در اوایل قرن هفدهم توجه زیادی به بخش کشاورزی و افزایش سطح تولید نشان داد و در مدت بیش از دو قرن حکومت این سلسله، سرمایه گذاری های دولتی به طرق مختلف به آشنا ساختن کشاورزان با ابزار جدید و متدهای تازه کشت جهت رونق کشاورزی ادامه پیدا کرد. اولین کتاب راهنمای کشاورزان به سال ۱۶۹۷، ۳۰۰ سال پیش، چاپ و در بین کشاورزان توزیع شد. این کتاب به علت تقاضای زیاد به چاپ پنجم رسید و در آن اطلاعات مربوط به متدهای مختلف کشاورزی، اهمیت انتخاب ابزارهای مناسب با زمین و خاک کشاورزی به خواننده ارایه می شد. کتاب های دیگری نیز در باره کنترل آفات نباتی و مصرف کود شیمیایی منتشر شد. (۱۲) این کتاب ها حاصل

تجربیات کشاورزان یا به سن گذاشته بود که به تشویق و کمک دولت از طریق انتشار در اختیار دیگران گذاشته می شد تا کشاورزان از زمین و منابع به بهترین وجه ممکن استفاده بکنند.

این اطلاعات تاثیر زیادی در رشد تولیدات کشاورزی ژاپن داشت. چنین کتاب هایی بعدها مورد توجه فرانسویان هم قرار گرفت و به زبان فرانسه ترجمه شد تا به ویژه از نحوه تولید ابریشم در ژاپن و فنون آن استفاده کنند.

علاوه بر انتشار کتاب، از روش های دیگر انتقال تخصص و استفاده از تجربیات کشاورزان کهنه کار و همبطور از طریق مسافرت کشاورزان باز نشسته به مناطق مختلف کشور جهت دادن آموزش بهره برداری می شد. آنها طی این مسافرت ها تجربیات و آموخته های خود را در اختیار کشاورزان مناطق مختلف قرار می دادند. این کار بعد از روی کار آمدن دولت میجی در سال ۱۸۶۸ رونق بیشتری پیدا کرد. این برنامه در ابتدا با دعوت دولت های محلی انجام می گرفت و از سال ۱۸۸۵ دولت مرکزی هم آن را تقویت کرد. طبق آمار موجود در فاصله سال های ۱۸۹۳، ۱۸۸۵، ۴۶۴ نفر در این برنامه عضو بودند.

علاوه بر برنامه های آموزشی فوق از قرن هجدهم به بعد دولت توکوگاو و نیز لردهای فئودال سرمایه گذاری های زیربنایی زیادی در جهت ترویج کشاورزی انجام دادند از جمله می توان به توسعه نظام آبیاری کشاورزی، ایجاد راه های آبی جدید، توسعه حمل و نقل در جاده ها و ارتباطات و بهتر شدن نظام پست و دریافت اطلاعات از طریق نظام پست خصوصی اشار کرد که موجب آسان شدن و تسریع دریافت اطلاعات کشاورزی و آشنایی با فناوری جدید روستاییان شد.

۸. کاهش دخالت در امور روستاها و خودیاری دهات: از اقدامات دیگری است که از زمان هیده یوشی متداول شد و ادامه پیدا کرد. در چارچوب کاهش نظارت دقیق حکام فئودال بر روستاها و آزادی روستاها در اداره امور خود بود که واگذاری مدیریت روستاها به عهده سامورایی های آشنا به امور مدیریت تحقق پیدا کرد. در دوره هیده یوشی، سامورایی های مقیم روستاها را مجبور کردند یا خود را تابع لردهای مقیم در شهرهای قلعه ای کنند و از آنها حقوق دریافت کنند و یا اینکه زمین های خود را حفظ کرده، به طبقه پایین تر یعنی کشاورزان، ملحق شوند. چون با انتخاب اول زمین هایشان راز دست می دادند، بیشتر سامورایی ها با انتخاب دوم را ترجیح دادند و در ده ماندند و کدخدای آن شدند. این سیاست سبب شد روستاها از کدخدایان قوی با خصوصیات برجسته تعلیمات کنفوسیوسی برخوردار شوند. وظایف این کدخدایان علاوه بر گرفتن مالیات، اختیارات قابل ملاحظه در اداره امور روستاها، برقراری نظم و اجرای مقررات بود. به این ترتیب ملاحظه می شود که با کوفو و دایمیو (دولت مرکزی و لردهای فئودال) به طور مستقیم در اداره امور دهات دخالت نمی کردند بلکه اهالی هر ده از طریق مجمع ده خود می توانستند در تصمیم گیری ها سهیم باشند.

کدخدایان هم که افراد آگاه و برگزیده ده محسوب می شدند تلاش لازم را در بر آوردن فناوری های جدید، روش ها و نوآوری های دیگر به ده انجام می دادند و خودیاری در کلیه مسائل مربوط به ده تقویت می شد.

کشاورزان ژاپن در دوره توکوگاو پیشرفت های زیادی کردند. در پایان این دوره یعنی در اواسط قرن نوزدهم، حدود ۶۰ هزار ده در ژاپن وجود داشت که از نظر وسعت و میزان با هم تفاوت هایی داشتند. با اینکه جمعیت کشور تقریباً ثابت مانده بود اما تعداد کشاورزان زیاد شده بود. باید اضافه کرد که با وجود رشد سطح تولید، توزیع درآمدها در ژاپن برابر نبود. بسیاری از روستاییان فاقد زمین بودند و در فقر زندگی می کردند. آنها در زمین های وسیع مالکین بزرگ که بیشتر برای فروش در بازار تولید می کردند، کار کرده و مزد می گرفتند و یا برای پیدا کردن کار به شهرهای بزرگ مهاجرت می کردند. با اینکه دولت برای جلوگیری از استعمار روستاییان توسط مالکین بزرگ، بخشنامه ای صادر کرده

بود تا مانع بهره‌رسانی از آنان از طریق بیگاری، اخاذی و غیره شود. اما باز هم در بعضی مواقع شورش‌های دهقانی علیه حکام، به خصوص موقع اخذ مالیات در سال‌هایی که محصول کم بود، وجود داشت.

لردهای فئودال در مناطق تحت حکومت خود، مالک زمین و منابع طبیعی بودند و از آن‌ها به هر طریق ممکن می‌توانستند بهره‌برداری کنند؛ اما این به آن معنی نبود که بتوانند بیش از اندازه از کشاورزان کار بکشند. آنان در مقابل شوگون مسوول بودند که صلح و آرامش در منطقه تحت حکومت خود را حفظ کرده و مانع شورش‌های دهقانی بشوند، در غیر این صورت موجب نارضایتی شوگون می‌شدند؛ در نتیجه ممکن بود که زمین‌های خود را نیز از دست بدهند و حتی در مواقعی جانشان را نیز بیازند.

به همین جهت لردهای فئودال نمی‌خواستند و یا نمی‌توانستند بهره‌رسانی‌های زیاد از روستاییان بکنند. به این ترتیب توجه شوگون به حفظ نظم و آرامش در مناطق مختلف کشور به نفع دهقانان تمام می‌شد. علاوه بر آن شوگون به هر طریق ممکن می‌خواست مانع افزایش بیش از حد درآمد فئودال‌ها بشود چرا که دلایل شخصی برای کنترل ثروت لردهای فئودال داشت؛ افزایش قدرت اقتصادی لرد ممکن بود به افزایش قدرت نظامی او منجر شود و در نتیجه به فکر رو در رویی در مقابل شوگون بیافتد. اگر در مواقعی شوگون نسبت به افزایش قدرت مالی لرد تردید پیدا می‌کرد از او می‌خواست یک پروژه عمرانی یا ساختمانی را در قلمرو خود انجام بدهد. به همین جهت لردها هم سعی داشتند نشان بدهند از آنچه حق شان است یا انتظار می‌رود دارایی بیشتری ندارند. بنابراین لردهای فئودال دلیلی برای افزایش درآمدهای خود از طریق اخذ مالیات زیاد و یا تحت فشار قرار دادن کشاورزان نمی‌دیدند و بنابراین سهم مناسبی از تولید به دهقانان می‌رسید. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که سیاست‌های شوگون به طور غیر مستقیم به حمایت از کشاورزان منتهی می‌شد. باید اضافه کرد سهم و درآمد لردهای فئودال در مناطق مختلف کشور یکسان نبود. در بعضی مناطق آن‌ها مزاد داشتند و در بعضی مناطق دیگر به زحمت هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کردند. به طور کلی بعضی از لردهایی که مورد توجه شوگون بودند و افراد با نفوذ دیگر از امتیازات ویژه برخوردار می‌شدند. همچنین بیشترین مبادلات تجاری توسط تجار وابسته به دولت و با مشارکت حکام دولتی انجام می‌گرفت؛ با شروع دوره امپراتوری میجی این قبیل امتیازات (رانت‌طلبی) تجاری برداشته شد و همه توانستند به طور یکسان از امکانات سود ببرند.

در مجموع باید گفت اصلاحات مختلف در امر کشاورزی در دوره توکوگاوا سبب تحول تدریجی در کشاورزی ژاپن شد و زمینه را برای رشد سریع‌تر در دوره امپراتور میجی آماده کرد به طوری که کشاورزی ژاپن، قبل از جنگ جهانی دوم بیشترین تولید در هر هکتار را در میان ۵۱ کشور جهان به خود اختصاص داده بود.

رشد صنعت در دوره توکوگاوا

اگر چه ژاپن تا نیمه اول قرن نوزدهم، صنعت پیشرفته‌ای نداشت اما همانطور که اشاره شد دارای یک اقتصاد تولیدی پیشرفته برای دوره سنتی و باستانی ژاپن بود. اکثر صاحبان کارگاه‌های صنعتی و بازرگانان ژاپن که قبلاً روستائین بوده و از روستاها به شهر مهاجرت کرده بودند، افراد سخت‌کوشی بودند و عادت به کار زیاد و طولانی داشتند. این عادت و علاقه آن‌ها به کار که بعد از مهاجرت به شهر هم ادامه پیدا کرد، پایه‌های اجتماعی و اقتصادی لازم را جهت بهره‌برداری از فناوری جدید در دهه‌های آخر قرن نوزدهم فراهم آورد. آن‌ها با مهارت و تخصصی که در دوره توکوگاوا در کارگاه‌های بزرگ تولیدی پیدا کرده بودند امکان رشد سریع صنعتی را در دوره میجی فراهم آوردند. (۱۳) همانند بسیاری از ممالک دیگر صنایع نساجی، پیشتاز صنایع در ژاپن بود. قبلاً دیدیم که تا قرن شانزدهم کنف، ماده عمده برای تهیه لباس در ژاپن بود.

از قرن هفدهم، کم‌کم تقاضا برای پارچه‌های کتان‌ی رو به افزایش گذاشت. ژاپنی‌ها ابتدا نخ مورد نیاز و قسمتی از پارچه‌های مصرفی را از کشورهای چین و کره وارد می‌کردند اما با افزایش مصرف آن، پنبه به طور وسیعی در داخل کشت شد تا نیاز به واردات آن برطرف شود. هم‌زمان بافت پارچه‌های نخی هم رونق پیدا کرد. علاوه بر شهرها در روستاها نیز احداث کارگاه‌های پارچه بافی رو به گسترش گذاشت تا جایی که صنایع نساجی با جذب نیروی کار زیاد، قبل از شروع دوره میجی، بزرگترین صنعت کشور محسوب می‌شد. در بعضی از نوشته‌ها اشاره به اشتغال حدود ۲۵ نفر کارگر در کارگاه‌های نساجی ژاپن شده است. اما تحقیقات پرفسور نورمن چکوب نشان می‌دهد که در سال ۱۸۵۰ یعنی قبل از خروج ژاپن از انزوای، در بعضی از صنایع ژاپن تا صد کارگر نیز مشغول به کار بوده‌اند. (۱۴)

علاوه بر نساجی، کارگاه‌های چوب بری و مصالح ساختمانی و صنعت ماهیگیری هم از رشد و رونق قابل ملاحظه برخوردار بوده است، با توجه به پایین بودن سطح دستمزدها در روستاها و علاقه روستاییان به کار در ساعات فراغت این صنایع در روستاها نیز از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در دوره توکوگاوا، در بعضی از مناطق روستایی تا ۵۵ درصد درآمد خانواده‌ها از منابع غیر کشاورزی نظیر صنعت، حمل و نقل، بازرگانی و غیره حاصل می‌شده که بیانگر وجود مهارت‌های صنعتی و تجاری در میان روستاییان قرون هجده و نوزده ژاپن است. در واقع این روستائینان ژاپن بودند که پایه‌گذاران صنایع جدید ژاپن در دوره میجی محسوب می‌شوند.

صنایع ژاپن به ویژه نساجی آن از اواسط قرن هجدهم به بعد تولید تجاری پیدا کرد و ژاپن در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به «سرمایه‌داری مرحله اول» رسید که از آن به عنوان پیش‌نیاز تاریخی برای رشد سرمایه‌داری یاد می‌شود. (سرمایه‌داری مرحله اول قبل از انقلاب صنعتی در یک کشور حادث می‌شود. در این مرحله نظام کارخانه‌ای جانشین صنایع دستی می‌شود.)

تحولات صنعتی که در دوره توکوگاوا انجام گرفت، زمینه را برای رشد سریع صنعت بعد از باز شدن دروازه‌ها و تماس نزدیکتر با غرب به سال ۱۸۵۴ آماده کرد و با شروع دوره امپراتور میجی به سال ۱۸۶۷ و انتقال فناوری (تکنولوژی) و روش‌های جدید تولید از غرب، ژاپن به تدریج دارای صنایع مدرن و سازمان یافته شد.

قطع وابستگی به خارج

بعد از آنکه ژاپن تحت فشار آمریکا و دول بزرگ اروپایی مجبور به باز کردن دروازه‌های خود به روی کالاهای خارجی شد، کالاهای آمریکایی و اروپایی به ویژه تولیدات نساجی پیشرفته انگلستان روانه بازارهای ژاپن شد؛ در نتیجه مشکلاتی بر سر راه صنایع ژاپن به وجود آمد. در آن موقع بیشترین واردات ژاپن شامل پارچه، لباس و نخ بود. این کالاهای که از کیفیت بهتری برخوردار بود مشتریان زیادی در داخل داشت. صادرات ژاپن همانند سایر ممالک آسیایی عبارت بود از ابریشم، چای، مواد غذایی و کالاهای مشابه دیگر. اما ژاپنی‌ها که در فکر توسعه صنایع داخلی و قطع وابستگی به غرب بودند، به جای ادامه واردات تولیدات نساجی غرب اقدام به خرید ماشین‌های نساجی پارچه بافی و نخ رسی خارجی و جایگزین سازی ماشین آلات قدیمی و سنتی خود کردند. با استفاده از نخ‌های مرغوب وارداتی موفق شدند پارچه‌های مشابه خارجی را با کیفیت بهتر در داخل کشور تولید و آن را جانشین پارچه‌های وارداتی کنند. (۱۵) به این ترتیب به زودی موفق شدند به استثنای چند مورد خاص واردات پارچه از خارج را به واردات نخ تبدیل کنند. به طوری که در سال ۱۸۶۲ مقدار واردات نخ ژاپن از خارج بیشتر از پارچه بود. اما دیگر ممالک آسیایی نظیر هند و ایران که آینده‌نگری و دوراندیشی ژاپنی‌ها را نداشتند و دولت‌های

ضعیف و ناکارآمد این کشورها به جای برنامه ریزی و تلاش برای تولید بیشتر، با ادامه واردات پارچه از خارج صنایع بومی خود را به نابودی کشاندند.

چنانچه پیشتر اشاره شد مردم ژاپن که از دو قرن پیش با گسترش تجارت داخلی و تلاش و کوشش خود عادت به رقابت و بالابردن کمیت و کیفیت تولید پیدا کرده بودند برای اینکه بتوانند با کالاهای اروپایی به بهترین وجه ممکن رقابت کنند از کشورهای فرانسه و اتریش ماشین‌های نساجی جدید با نام بتان وارد کردند؛ این ماشین‌ها در سال ۱۷۷۳ در کشور انگلیس اختراع شده بود. اما ملت ژاپن که حتی حاضر نبودند از نظر تولیدات ماشین‌آلات هم به خارج وابسته باشند با دقت و مهارت ویژه‌ای که در کار یادگیری و انتقال دانش فنی دارند چهار سال بعد از شروع واردات و آشنایی کافی با این ماشین‌آلات در سال ۱۸۷۷ موفق به نمونه برداری و ساختن ماشین‌های مشابه آن‌ها شدند؛ در ادامه به میزان لازم این ماشینها را تولید کرده و آن‌ها را به تمام نقاط کشور ارسال کردند. با استفاده از این ماشین‌های نساجی جدید سطح تولید پارچه به خصوص پارچه‌های کتان‌ی رشد زیادی پیدا کرد و میزان رشد آن سالانه به ۱۵ درصد رسید و در فاصله سال‌های ۸۰-۱۸۷۴ میزان تولید پارچه دو برابر شد. در حالی که در سال ۱۸۷۴ حدود چهار درصد پارچه مورد نیاز وارد می‌شد. این رقم در سال ۱۸۸۸ به ۱۵ درصد کاهش پیدا کرد. بعد از این موفقیت، دولت به فکر قطع وابستگی به نخ‌های وارداتی افتاد و با تاسیس کارخانه‌های نخ ریزی مدرن موفق شد به تدریج جلوی واردات نخ را هم بگیرد. به طوری که به سال ۱۸۹۰ در تولید نخ هم به خودکفایی رسید، جز چند نوع نخ بسیار مرغوب که واردات آن ادامه پیدا کرد.

شایان توجه است که دول اروپایی بعضی قراردادهای بازرگانی را برای واردات از خارج، بر ژاپن تحمیل کرده بودند، همانطور که به ایران و چین هم تحمیل نموده بودند. اما این کشور بدون اینکه سعی در بستن مرزهای خود به روی کالاهای خارجی بکند یا تعرفه‌های سنگین بر واردات اعمال کند تنها در سایه کار و تلاش و ارائه آموزش‌های جدید به کارگران و بهبود مدیریت موفق شد در مدت کمتر از ده سال نه تنها بازارهای داخلی قبلی خود را بدست آورد، بلکه در آخرین سال قرن نوزدهم، ۱۳ تولیدات نساجی خود را به کشورهای چین و کره صادر می‌کرد، در حالی که قبلاً واردکننده پارچه از دو کشور مذکور بود. (۱۶)

اقتصاد بازرگانی که دولت توکوگاوا پایه گذار آن بود بدون تردید نقش بزرگی در توسعه صنعتی و پیدایش سرمایه‌داری در ژاپن داشت. قابل ذکر است کالاهای تجاری که ژاپن در دهه‌های آخر قرن نوزدهم صادرات خود را با آن‌ها آغاز کرد، مانند ابریشم، چای، نخ و پنبه، بومی ژاپن نبودند؛ آن‌ها در دوره قرون وسطی از کشورهای دیگر وارد کرده بود و بعد در دوره توکوگاوا کشت و انتقال آن‌ها به بازار رونق پیدا کرد. به این دلیل گفته می‌شود دوره توکوگاوا پایه گذار رونق صنعت و تجارت و رشد اقتصادی برای دوره‌های بعد محسوب می‌شود و اساس آن را باید در نظام (KOKUDAK) توکوگاوا، یعنی احداث بازارها در مناطق مختلف کشور برای عرضه و فروش برنج لردهای دامی و سایر تولیدات مازاد بر مصرف روستاها جست و جو کرد که یکی از مورخین از آن به عنوان انقلاب تجاری یاد می‌کند. در سایه تشویق‌های دولت مانند دادن امتیازهای مختلف به بازرگانان و ترغیب آن‌ها به قبول ریسک و سرمایه گذاری بود که فرهنگ تجارت جایگاه خود را در ژاپن باستان پیدا کرد؛ و با تبلیغات و تشویق‌هایی که می‌شد انگیزه‌های اقتصادی و مال دوستی بر رفتار و ایدئولوژی دهقانان و بازرگانان نفوذ پیدا کرد و سبب شد که آنان در یک فضای رقابتی بین شرکت‌های مختلف، بسیار سعی و پرتلاش باشند و جهت موفقیت در کار خود امور حسابداری و محاسبات با تدبیر و یا صرفه جویی را با دقت انجام دهند. این سه اصل مهم در آن زمان در اساسنامه شرکت‌های بزرگ و قدیمی ژاپن نظیر میتسوبیشی، سومی و تومووکونویک گنجانده شده و تاکید زیاد بر رعایت آن‌ها شده بود. این اصول در حال حاضر هم ریشه

مدیریت نوین ژاپن محسوب می‌شوند.

ایجاد ارزش‌های نو و فرهنگ تجارت که با تاکید بر کار گروهی و وجدان کار انجام گرفت و بر پایه تعلیمات کنفوسیوس قرار داشت موجب بالا رفتن کیفیت کار و بهبود رفتار اجتماعی گروه‌های دهقانان، تجار و هنرمندان در دوره توکوگاوا شد. احساس مسوولیت شهروندی، نظم اقتصادی و روحیه تشکل پذیری به خوبی در بین مردم ژاپن پدیدار شد. افراد جامعه از طبقات مختلف با هم ارتباط نزدیکتر پیدا کردند. آن‌ها به خوبی آماده پذیرش آموزش نو و روش‌های جدید شدند. (۱۷)

به این ترتیب ژاپن قبل از گشودن مرزها به روی بیگانگان در سال ۱۸۵۴ شرایط لازم را برای ایجاد یک جامعه مدرن صنعتی که با انقلاب میجی تحقق پیدا کرد دارا شده بود؛ انقلابی که نتیجه آن توسعه سریع تجارت و صنعت در دوره‌های بعدی بود. افراد کشور با دارا بودن تجربیات مدیریت، حسابداری و منشی‌گری کسب شده که در کارگاه‌های سنتی قدیمی به آسانی با روش‌های مدیریت جدید و روش‌های نو آشنا شدند و صرافان قبلی به بانکداری پرداختند. شکی نیست سیاست‌های اقتصادی موفق دولت میجی بدون استفاده از تجربیات دوره توکوگاوا نتیجه مطلوب نمی‌داد. (۱۸)

رونق دادوستد و پیدایش طبقه سرمایه دار

در دوره توکوگاوا دولت به لزوم داشتن بخش خصوصی مستقل، تقویت بازار آزاد و آزادی تجارت اعتقاد پیدا کرده بود و رونق و توسعه تجارت بسیار مورد علاقه رهبران کشور بود. تمام شهروندان ژاپن آزاد بودند و تشویق می‌شدند برای کسب سود به کار دادوستد بپردازند. از طرف دیگر ضمن آزاد گذاشتن مردم در کار تجارت و تشویق آن‌ها، نظارت و کنترل هم اعمال می‌شد؛ البته، دولت به طور مستقیم در کار بازرگانان دخالتی نداشت. در دوره توکوگاوا اگر چه طبقه بازرگانان از نظر طبقه بندی اجتماعی در پایین‌ترین سطح قرار داشتند ولی از نظر درآمد و رفاه، وضعی بهتر از وضع کشاورزان داشتند. کشاورزان از مقدار زمین معین با تعداد کارگر مشخص بهره برداری می‌کردند، حاصل کار آن‌ها و سود سالیانه شان مشخص بود و لذا بر خلاف بازرگانان باید به نسبت وسعت زمین‌هایشان مالیات‌های بیشتری به دولت پرداخت می‌کردند. اما طبقه تجار علاوه بر اینکه در کار و حرفه شان و انتخاب روش فعالیت از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند، مالیات کمتری نیز از آنان وصول می‌شد، چون حاصل کار آن‌ها قابل رویت و محاسبه نبود. به این جهت به لحاظ آزادی عملی که طبقه بازرگان داشت و تشویق‌هایی هم که دولت از آنان به عمل می‌آورد آن‌ها کوشش داشتند تا از منابع کشور بهره برداری بیشتری بکنند. دولت هم علاقه به تقویت و توسعه کارگاه‌های تولیدی نشان می‌داد، در نتیجه طبقه تجار از موقعیت اقتصادی بهتری برخوردار شده بود و لذا افراد بیشتری به کار تجارت روی می‌آوردند. (۱۹) با افزایش تعداد بازرگانان و صاحبان سرمایه دایره فعالیت آنان بیشتر شد و نفوذ و اعتبارشان در کشور رو به افزایش گذاشت. آن‌ها با انباشت ثروت، استقلال مالی و اقتصادی شان تقویت شد و توانستند بدون اتکا به دولت به عنوان یک گروه فشار در مقابل انحصارات هیات حاکمه و روحانیون و معابد از موقعیت قوی‌تری برخوردار شوند و با دست آوردن قدرت اقتصادی مستقل از دولت در مقابل کج روی‌های دولتمردان به طور گروهی عکس العمل نشان داده و مقاومت کنند، تا جایی که طبقه اصناف در سال ۱۷۲۱ موفق شد از دولت توکوگاوا بخواهد سازمان آن‌ها، صنف (Guild) را به رسمیت بشناسد. (۲۰)

اقتصاد پولی

همزمان با به رسمیت شناختن اتحادیه صنفی در سال ۱۷۲۱، دولت به لردهای فئودال در مناطق مختلف اجازه انتشار پول کاغذی داد. متداول شدن اقتصاد پولی و رونق مبادلات با پول و گسترش ارتباطات و نظام توزیع کالا

همه کمک به رشد و توسعه بازرگانی داخلی کرد؛ ژاپنی‌ها هم مانند اروپاییان با این نحوه تفکر خو گرفتند که پول و ثروت اهمیت دارد و حلال مشکلات است؛ لذا آن‌ها بیش از پیش به کسب درآمد و ثروت راغب شدند. متداول شدن معاملات پولی، توسعه حمل و نقل و انتقالات مالی در یک جامعه کشاورزی موجب پیدایش طبقه جدید سرمایه‌دار در ژاپن شد که فرهنگ متفاوتی با طبقه سامورایی داشت. این سرمایه‌داران افراد بسیار سخت کوش و پول ساز و در ضمن خوش گذران و علاقه‌مند به کارهای هنری بودند. به این ترتیب آن‌ها با قدرت مالی وسیعی که پیدا کرده بودند به رونق هنر در ژاپن در زمینه‌های مختلف مانند تئاتر، موسیقی و نقاشی کمک کردند. این تحولات زمینه‌ساز به تغییرات و نوآوری‌هایی در زمینه‌های مختلف هنری ژاپن، به ویژه استفاده از رنگ‌های مختلف در هنر نقاشی شد.

ظهور بازرگانان و شرکت‌های بزرگ تجاری

در اوایل حکومت توکوگاوا بازرگانان بزرگ در شهرهای مختلف ارتباط نزدیکی با لردهای فئودال داشتند و با امکانات مالی وسیعی که پیدا کرده بودند در موارد مختلف و به طرق گوناگون به این دولت‌مردان کمک می‌کردند. این بازرگانان که تولیدات مختلف به خصوص مازاد بر مصرف محصولات کشاورزی را در روستاها خریداری می‌کردند و به بازارهای فروش انتقال می‌دادند به سودهای زیادی دست می‌یافتند. لردهای فئودال که ۴۰ درصد برنج تولیدی را به عنوان مالیات می‌گرفتند، مازاد بر احتیاج خود را به این بازرگانان می‌فروختند که حدود ۲۵ درصد مالیات دریافتی می‌شد؛ و در مقابل، سایر کالاهای مورد نیاز خود را از طریق آنان تأمین می‌کردند. این مبادلات سودهای فراوان برای طبقه تجار داشت و آن‌ها را تشویق می‌کرد به شوگون کمک‌های مالی بکنند.

در نیمه دوم دوره توکوگاوا بعضی از بازرگانان ژاپن با استفاده از موقیبت‌ها و با اعمال نفوذ در دولت در فرصت‌های مناسب از طریق تجارت شراب، فروش مواد غذایی، نزول دادن پول، توزیع کالا در سطح کشور و کار ساختمان سازی و غیره موفق به کسب سودهای کلان و تبدیل به قدرت‌های اقتصادی بزرگ شدند.

بنیانگذاران شرکت‌های معروف و بزرگ ژاپن

در قرن هجدهم توزیع کالا در ژاپن بیشتر در اختیار چند خانواده بزرگ قرار گرفته بود از جمله می‌توان به خانواده‌های ریوسومینو کورا، جوئن و پسرش کوئن در شهر اوزاکا و چایاشی رجبیو در شهر توکیو اشاره کرد. جوئن در سال ۱۶۱۵ میلادی به درخواست لرد از **اکایک** بازار ماهی و سبزی رادر شهر اوزاکا تاسیس کرده بود. بعد از او پسرش کوئن علاوه بر احداث بازارهای برنج به کار حمل برنج به اوزاکا پرداخت. برنج‌هایی که لرد فئودال به عنوان مالیات از کشاورزان اخذ می‌کرد به انبارها حمل می‌شد. او همچنین به کشیدن کانال و ساختن راه پرداخت. کوئن اولین تاجری بود که در ژاپن به لردهای فئودال قرض داد.

معروف‌ترین بازرگانان دوره توکوگاوا که در حال حاضر هم شرکت‌های آن‌ها در ژاپن فعال هستند، عبارت‌اند از میتسویی، سومیتومو و کونوئیک. این سه شرکت معروف از ابتدای تاسیس خود به ابتکارات تجاری بزرگ دست زدند. بنیانگذار اولیه شرکت بزرگ میتسویی یک سامورایی بود؛ پدر وی، تاکایاسومی میتسویی، لرد ایالت ساساکی بود. او در جنگ ادانا بوناگو دارایی‌های خود را از دست داد و خود را بازنشسته کرد و از شرکت در جنگ‌هایی که منجر به پیروزی و روی کار آمدن آبی یسو، اولین شوگونات از سلسله توکوگاوا شد خودداری کرد.^(۲۱) پسر او سوکویی میتسویی بعد از امنیت و آرامشی که آبی یسو در ژاپن ایجاد کرد خود را از طبقه ممتازی که بود خارج و وارد طبقه تجار شد و به تجارت پرداخت. او کار خود را با فروش «ساکای» شروع

کرد. به این ترتیب این خانواده برای تجارت و کسب ثروت از بالاترین طبقه اجتماعی در ژاپن صرف نظر کرد و به پایین‌ترین طبقه اجتماعی ملحق شد. پسر کوچک سوکویی که شرکت میتسویی را گسترش داد بنیانگذار اصلی این شرکت محسوب می‌شود. او کار خود را با صرافی شروع کرد و مدت ۲۰ سال ادامه داد. در سال ۱۶۷۱ به کیوتو رفت و یک شرکت بزرگ تجاری را تاسیس کرد که بیشتر به کار فروش مواد غذایی اشتغال داشت. او با ابداعاتی که در کار تجارت انجام داد به موفقیت‌های بزرگی دست یافت.

شرکت میتسویی که از اولین سال‌های سلسله توکوگاوا فعالیت‌های خود را شروع کرده بود بزرگترین شرکت این دوره و قدیمی‌ترین آن نیز محسوب می‌شود.

یکی از فعالیت‌های اصلی این شرکت در آن زمان صرافی بود. با تجربه‌هایی که در این زمینه پیدا کرد، بعد از متداول شدن معاملات پولی در ژاپن، ابتدا در کیوتو و بعد اوزاکا نظام اعتباری بانکی را تاسیس کرد. در این بانک‌ها مشتریان می‌توانستند حساب بانکی همراه با بهره افتتاح کنند. دارندگان حساب‌ها می‌توانستند دست چک دریافت کنند و در موارد مختلف چک قابل پرداخت از حساب خود صادر نمایند. در چارچوب این نظام که استفاده از چک بانکی در شهرهای بزرگ مثل اوزاکا به پول نقد ترجیح داده می‌شد فعالیت‌های صنعتی و تجاری رونق گرفت. این تحولات که در دوره **توکوگاوا** رشد تدریجی داشت در دوره میجی به رشد سریع نظام بانکی جدید در ژاپن کمک کرد.

یکی از ابتکارات بزرگ شرکت میتسویی در اواخر قرن هجدهم تاسیس فروشگاه عظیم میتسویی با بیش از یک هزار کارمند بود. این فروشگاه که در سال ۱۸۰۰ میلادی افتتاح شد دارای اصول و مقرراتی بود که برای آن زمان یعنی دو قرن پیش بسیار جالب به نظر می‌رسید و حاکی از وجود ریشه‌های غنی مدیریت ژاپن در گذشته‌های بسیار دور است. از آن جمله می‌توان به تأکید مدیریت به رعایت درستی و صداقت فوق‌العاده در معاملات، یک کلام بودن قیمت‌ها و دقت و توجه زیاد به شرایط ویژه کارکنان و فروشندگان هنگام مصاحبه و استخدام اشاره کرد. گفتنی است که هر کدام از شرکت‌های بزرگ ژاپن از ابتدای تاسیس اساسنامه داشتند و مقررات خاصی را در کار داد و ستد اعمال می‌کردند. در شرکت سومیتومو اعمال این مقررات از سال ۱۷۲۱ و در میتسویی یک سال بعد یعنی از سال ۱۷۲۲ آغاز شد. اساسنامه شرکت به طور خلاصه شامل موارد زیر بود:^(۲۲)

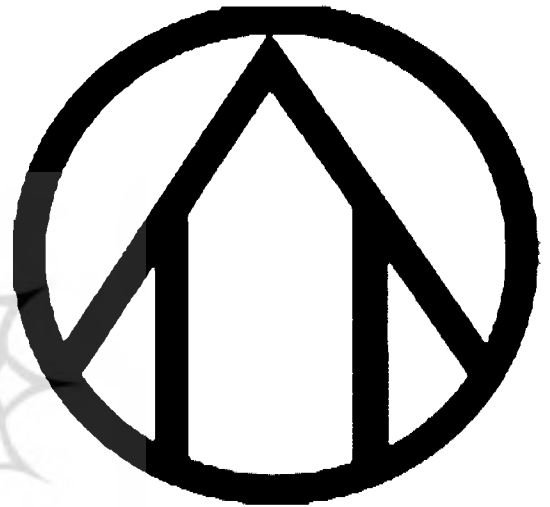
۱. تبعیت شعب از اداره مرکزی و همکاری‌های لازم با آن ۲. به کلیه کارکنان توصیه می‌شد که از تکروری اجتناب بکنند ۳. رعایت کامل اصول تجارت ۴. رعایت میانه روی و صرفه جویی ۵. دقت زیاد در محاسبات و حسابداری ۶. رعایت اخلاق خوب کسب و کار ۷. تصمیمات گروهی و خودداری از اعمال مقررات سلیقه‌ای (تجار عهد توکوگاوا، قبلاً در بیشتر موارد خود به تنهایی تصمیم می‌گرفتند. به همین جهت در اساسنامه تأکید بر مشاوره گذاشته شده بود) ۸. تهیه و تصویب مقررات ویژه برای استخدام کارکنان تمام وقت و دائمی. با توجه به اهمیتی که اساسنامه شرکت‌های ژاپن به نحوه استخدام کارکنان و ترفیعات آنان از نظر سابقه و لزوم داشتن رفتار خوب با سایر کارکنان شرکت، آموزش آن‌ها و ایجاد انگیزه در جهت ادامه همکاری آن‌ها قائل بوده‌اند در اینجا به شرح بیشتری در این باب می‌پردازیم.

فروشندگان و کارکنان فروشگاه‌ها از سن ۱۱ تا ۱۳ سالگی استخدام می‌شدند و آموزش‌های لازم برای انجام وظایف و مسوولیت‌های لازم را زیر نظر مربیان شرکت می‌گذراندند و بعد مراحل مختلف کار را طی می‌کردند. معمولاً آن‌ها در طول خدمت شان در فروشگاه تا ۱۶ پایه می‌توانستند ارتقاء کنند که شامل پادویی، منشی‌گری، سرگروهی و غیره بود. افراد لایق ممکن بود به سطح مدیر کلی یک فروشگاه هم برسند. در ابتدا پیشرفت بر پایه سابقه استوار بود اما از سال ۱۷۲۵ به بعد ترفیعات

بر اساس شایستگی شخصی حاصل می‌شد.

وقتی جوانی موفق به استخدام در شرکت میتسویی می‌شد او را به طور کامل از فرهنگ گذشته‌اش می‌بریدند تا به تدریج با اصول، روش و منطق تجارت آشنا شود و خود را با آن تطبیق بدهد. در شهرهای کیوتو و توکیو تا شعاع ۶۰ کیلومتری شهر از افراد محلی استخدام نمی‌کردند. مطابق اسناد موجود، بین سال‌های ۱۷۳۰-۱۶۹۶، در یکی از فروشگاه‌های میتسویی در شهر کیوتو ۲۳۹ نفر نوجوان کم سن و سال استخدام شده بودند. از این تعداد ۲۸ نفر در طول کار فوت کردند، ۱۹ نفر قبل از موعد بازنشسته شدند چون توانایی ادامه کار را نداشتند، ۳۷ نفر به میل خویش شرکت را ترک کردند، ۷۷ نفر هم به علت عدم لیاقت و شایستگی از شرکت اخراج شدند و ۱۳ نفر دیگر تا زمان اتمام قرارداد کار کردند تا بازنشسته شدند؛ این تعداد مجموعاً ۱۷۴ نفر می‌شود؛ و وضع ۶۵ نفر دیگر مشخص نیست.

شرکت‌های بزرگ ژاپنی با دارا بودن مدیریت صحیح و اساسنامه محکم و تشویق‌های دولتی توانستند در یک محیط بسیار رقابتی با برنامه ریزی و اتخاذ تصمیمات مشترک به خوبی پیش رفته، فروش و کسب و کار خود را رونق بخشند.



شرکت میتسویی که از نظام مدیریت قوی‌تر و کنترل دقیق سرمایه برخوردار بود با بهره برداری از امکانات خود و تجربه‌هایی که قبلاً کسب کرده بود، توانست در دوه میچی اولین شرکت خانوادگی زیباتسو را تشکیل دهد.

نقش بخش خصوصی در پیشرفت اقتصادی ژاپن

تجربه تمام ممالک صنعتی و کشورهای درحال پیشرفت کنونی نشان می‌دهد که این شرکت‌های خصوصی هستند که به منظور افزایش سود و کسب شهرت و اعتبار برای خود، همیشه با کار و تلاش بیشتر در صحنه‌های رقابت حاضر بوده‌اند.

آن‌ها با سازماندهی، نظم مالی، کسب فناوری جدید و آموزش منظم کارگران موفق به رشد بیشتر شده‌اند.

اگر چه دولت ژاپن به سهم خود نقشی اساسی در پیشرفت اقتصادی کشور داشته است، اما این بخش خصوصی قوی و کارآمد و شرکت‌های ژاپن بوده‌اند که با برنامه‌ریزی و مدیران لایق و با تجربه و کارکنان آموزش دیده کمک به پیشرفت سریع اقتصاد ژاپن به ویژه در دوره امپراتور میچی کرده‌اند. در ژاپن هیچ وقت سرمایه‌دار موجودی زانو صفت و خون آشام معرفی نشده است، برعکس صاحبان سرمایه یک سامورایی اقتصادی محسوب می‌شوند. چون او هم همانند یک سامورایی در راه کشورش فداکاری می‌کند. منتهی نه با

فداکردن جان خود بلکه با پذیرش ریسک و با به خطر انداختن دارایی‌های خود. جهت آشنایی بیشتر با نقش بخش خصوصی در پیشرفت ژاپن طی نیمه دوم قرن نوزدهم، در اینجا به بعضی از موفقیت‌های دو شرکت میتسویی و میتسویی در زمینه‌های صنعت کشتی سازی و استخراج ذغال سنگ و صدور آن به خارج و تامین ارز مورد نیاز ژاپن، اشاره می‌شود.

ژاپن تا سال ۱۸۶۰ میلادی تجربه‌ای در کار ساخت کشتی‌های بزرگ اقیانوس پیمانداشت. در سال ۱۸۸۴ دولت به منظور توسعه کار کشتی سازی صنایع کشتی سازی ناکازاکی را به شرکت میتسویی واگذار کرد. این شرکت با مطالعه و الگو برداری از صنایع کشتی سازی اروپا و آمریکا در مدت کوتاهی موفق به طراحی و ساخت کشتی‌های بزرگ و مدرن تجاری و جنگی شد، به طوری که کشتی‌های ساخت ژاپن موفق شدند فاصله بین آمریکا و ژاپن را که قبلاً در تسلط شرکت‌های غربی بود طی کنند، اکنون ژاپن با پیشرفت‌های زیادی که در این کار کسب کرده بزرگترین سازنده کشتی در جهان محسوب می‌شود. گفته می‌شود در سال‌های اخیر کره جنوبی موفق شده در کار کشتی سازی رقیب بزرگی برای ژاپن به شمار آید. تردیدی نیست که کار و تلاش مهندسين و مدیران و کارکنان شرکت میتسویی نقش اصلی را در این موفقیت داشته است. در اینجا شاید بی‌مناسبت نباشد در مقایسه عملکرد بخش خصوصی با بخش دولتی اشاره‌ای به کار تاسیس شرکت کشتی سازی دولتی ایران شود که چند سال قبل یک میلیارد دلار جهت برپا کردن آن هزینه شده است اما در حال حاضر به واسطه بی‌توجهی و عدم بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری‌های کلان در آن در حال پوسیدن است و دولت آقای خاتمی چندی پیش ساخت ۵ فروند کشتی را به کشور چین سفارش داد و قبل از آن هم از کشورهای کره جنوبی، ژاپن و لهستان خریداری شده است.

نقش شرکت میتسویی در توسعه تجارت خارجی ژاپن از اوایل قرن هجدهم به این سو مورد تایید روشنفکران ژاپن است. از نظر این افراد بازرگانی خارجی نقش مهمی در افزایش منافع ژاپن داشته است که اهمیت شرکت‌هایی چون میتسویی را برجسته می‌کند.

جهت تحقق این هدف بعضی از روشنفکران تقویت بخش خصوصی و آزادی تجارت خارجی را ضروری تشخیص داده بودند. آن‌ها اعتقاد داشتند همانطور که تجارت داخلی دست بخش خصوصی است تجارت خارجی هم باید آزاد باشد. اما با توجه به سیاست انزواطلبی، محدودیت‌های تجارت خارجی تا اواسط قرن نوزدهم حفظ شد، تا زمانی که ژاپن مجبور به گشودن دروازه‌های خود به روی جهان خارج شد.

در آغاز دوره امپراتور میچی دولت ژاپن بعد از برقراری رابطه تجاری با ممالک مختلف به علت نیاز به ارز جهت واردات فناوری جدید و احتیاجات دیگر تصمیم به توسعه و افزایش صادرات خود گرفت. در آن موقع ارقام مهم صادراتی ژاپن شامل مواد کانی مانند ذغال سنگ و آهن، ابریشم خام، چای، کاغذ، پنبه و بعضی اقلام دیگر می‌شد که ارز مورد نیاز کشور را تامین می‌کرد. دولت برای افزایش درآمدهای ارزی، زیباتسو را تشویق به استخراج معادن مختلف کرد. قابل ذکر است که فعالیت برای استخراج معادن در ژاپن از مدت‌ها قبل یعنی از اوایل قرن شانزدهم شروع شده بود. (۳۳)

در سال ۱۵۹۰ جست و جو برای یافتن، طلا، نقره و مس برای ضرب سکه شروع شد. بعد از آن، به دنبال آشنایی با سلاح‌های آتشین اروپاییان، جست و جو برای آهن جهت ساختن اسلحه شد گرفت؛ در نتیجه توجه به استخراج معادن بیشتر شد. ولی تلاش‌های واقعی جهت استخراج معادن با کمک دولت بعد از روی کار آمدن دولت میچی و تاسیس زیباتسو شروع شد. دولت که به شدت در فکر افزایش درآمدهای ارزی جهت رفع نیازهای وارداتی بود در سال ۱۸۷۶ معادن ذغال سنگ میک را برای بهره برداری به کمپانی میتسویی و معادن ذغال سنگ تاکاشیما و چیکوهو را در سال ۱۸۹۰ به کمپانی میتسویی واگذار کرد. صنعت ذغال سنگ در آن موقع برای هر دو شرکت فعالیت‌های

مهمی محسوب می‌شد و به علت ارزآوری صادرات آن نقش عمده‌ای در صنعتی شدن ژاپن داشت. ذغال سنگ در بازارهای آسیا فروخته می‌شد و ژاپن با کشورهای انگلیس و استرالیا رقابت می‌کرد. از آنجا که بعد از جنگ ژاپن با روسیه در سال ۱۹۰۵ نیازهای داخلی به ذغال سنگ افزایش یافت و تولیدات داخلی تنها می‌توانست جوابگوی بازارهای داخلی باشد، صدور آن به خارج کاهش زیادی پیدا کرد.

ابریشم و چای از ژاپن به کشورهای اروپایی و آمریکا صادر می‌شد. شایان ذکر است که تا قبل از خروج ژاپن از انزوا در سال ۱۸۵۲، این کشور چین بود که انحصار تجارت ابریشم را در شرق آسیا به خود اختصاص داده بود. بنابراین رقیب بزرگ ژاپن، تنها چین بود.

می‌دانیم موفقیت یک کشور در صادرات بستگی به توانایی آن در رقابت در بازارهای جهانی دارد. دولت ژاپن با آگاهی به این مهم، پیوسته سعی داشت کمک‌های لازم را در اختیار شرکت‌های صادرکننده کالا بگذارد و موانع راز سر راه آن‌ها بردارد. از جمله از طریق تهیه ماشین آلات جدید و ایجاد تسهیلات لازم در کار حمل و نقل موجب کاهش هزینه استخراج می‌شد و توانایی رقابت شرکت‌های ژاپنی را در بازارهای جهانی افزایش می‌داد. با این اقدامات و کمک‌های مشابه در زمینه‌های مختلف دیگر، صادرات ژاپن موفق شد سیر صعودی خود را طی کند و به جایی برسد که اکنون قرار دارد.

در اینجا جهت نشان دادن آثار نامطلوب مالکیت دولتی اقتصادی می‌توان در مقابل موفقیت‌های کشور ژاپن به تجربیات ناموفق ممالک شرق اروپا به ویژه اتحاد جماهیر شوروی سابق اشاره کرد که نشان داده‌اند که حذف فعالیت‌های بخش خصوصی و دولتی کردن اقتصاد محکوم به شکست است. اکنون تمام این نه کشور شرق اروپا برای ایجاد تحول و رشد اقتصاد کشورشان مجبور به تجدید نظر در سیاست‌های خود شده و به خصوصی سازی روی آورده‌اند. به همین ترتیب اکنون جمهوری خلق چین هم روز به روز از نظام کمونیستی دوری می‌کند و به طرف اقتصاد آزاد حرکت است. چین حدود یک دهه است که بازیها گذاشتن تصببات خشک ایدئولوژیکی و بالگو برداری از نظام اقتصاد سرمایه‌داری و دعوت از شرکت‌های آمریکایی و اروپایی و ژاپنی به سرمایه‌گذاری، اقدام به خصوصی سازی و تقویت بخش خصوصی در چین کرده است؛ از این رو، این کشور اکنون به رشد صنعتی و بازرگانی قابل ملاحظه‌ای دست یافته است.

در کشور ژاپن همانند سایر ممالک سرمایه‌داری از ابتدا رقابت و تعقیب سود شخصی مورد توجه و تایید دولتمردان آن کشور بوده است. با وجود این، سرمایه‌داری ژاپن دارای ویژگی‌های خاص خود است که آن را از نظام سرمایه‌داری غرب متمایز می‌کند، از جمله اینکه در ژاپن همیشه نوعی نظارت دولتی بر اقتصاد اعمال می‌شود.

به همین جهت بعضی از کارشناسان، نظام سرمایه‌داری ژاپن را «سرمایه‌داری ارشادی» نامیده‌اند.

در اینجا جهت آگاهی بیشتر از علل پیشرفت نظام سرمایه‌داری در غرب و ژاپن و آشنایی با بعضی از تفاوت‌های این نظام در این دو کشور دلایل اهمیت، اعتبار و شهرت صاحبان سرمایه در بین مردم آمریکا و ژاپن به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در زمان انقلاب صنعتی، در انگلیس و سپس در آمریکا تفکر و فلسفه تازه‌ای پیدا شد که معتقد بود رهبران تولیدی و بازرگانی شایستگی برخورداری بیشتر از ثروت و امتیازات جامعه را دارند. (۳۴) به همین جهت دولت فدرال آمریکا در آغاز پیشرفت این کشور با برقراری نظم و حاکمیت قانون و تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری نقش کلیدی را در پیشرفت اقتصاد کشور به عهده گرفت. راه آهن سراسری آمریکا را که موجب ارتباط آسان و سریع در این کشور پهناور شد، سرمایه‌های خصوصی با تشویق دولت احداث کردند. اما موقعی سرمایه‌داران حاضر به سرمایه‌گذاری کلان در صنعت راه آهن شدند

که دولت ابتدا با وضع قوانین جدید و ایجاد تسهیلات لازم، نظیر دادن یارانه به صورت زمین برای ریل‌گذاری، اصلینان لازم را به سرمایه‌گذاران داد. مهمتر از همه اینکه در آمریکا صاحبان سرمایه از ابتدای تاریخ ۵۰۰ ساله کشور در بین مردم از احترام و اعتبار زیادی برخوردار بوده‌اند. (۳۵)

برای مثال موقع مرگ واندربیلت یکی از سرمایه‌داران معروف قرن نوزدهم این کشور، روزنامه نیویورک ایوبینینگ میل در سال ۱۸۷۷ طی مقاله‌ای به تقدیر از تلاش‌های او در راه کسب ثروت و خدمت در جهت تامین نیازهای مردم و پیشرفت جامعه آمریکا پرداخت. این اعتقاد کلاسیک آمریکایی - انگلیسی، یعنی تاکید بر برتری صاحبان سرمایه در جامعه و داشتن شهرت، اعتبار و احترام در میان مردم به دلایل زیر است:

۱. صاحبان مراکز تولیدی و بازرگانی می‌توانند به تحقق مهمترین هدف اقتصادی کشور که افزایش درآمد، اشتغال و بالا رفتن رفاه عمومی است، کمک کنند؛ ۲. صاحبان سرمایه که در پی افزایش سود و نفع شخصی هستند با استفاده از نیرو و تمام امکانات خود سبب افزایش رقابت بین افراد می‌شوند که حاصل آن افزایش ثروت ملی، بهبود کیفیت و افزایش کمیت تولید است؛ ۳. رقابت که محرک آزمایشی و سنجش توانایی‌های فردی است با شرکت میلیون‌ها مصرف‌کننده در بازار آزاد قابل اندازه‌گیری و تشخیص درجه موفقیت و کارایی افراد است. چون درآمد و ثروت نشاندهنده میزان موفقیت و حد و حدود پیروزی شخصی در بازار رقابت است؛ و ۴. مردم آمریکا بر این باور بوده‌اند که تجارت آزاد، توسعه بازرگانی و امکان رقابت عامل گسترش فردگرایی و آزادی‌های سیاسی در کشورشان خواهد شد.

در کشور ژاپن هم همانطور که اشاره شد دولت از دوره توکوگاوا ۱۸۶۷ - ۱۶۰۳ به اهمیت تجارت و رونق فعالیت‌های بخش خصوصی پی برده بود و به هر طریق ممکن در جهت تقویت «نظریه سودجویی» و نفع شخصی در بین مردم ژاپن کوشش کرده است. دولت نظامی ژاپن به خوبی آگاه بود که لازمه توسعه اقتصادی، در تشویق مردم برای بکارگیری ابتکارات فردی، نهفته است. نیاز به تقویت فعالیت‌های بخش خصوصی و ایجاد رقابت در بین آن‌ها بعد از روی کار آمدن دولت میجی و با برقراری ارتباط نزدیک با کشورهای غربی افزایش بیشتری پیدا کرد. در سال ۱۸۷۲ هیات ابوکاوا، بعد از مراجعت از سفر اروپا و آمریکا با مطالعات و مشاهداتی که انجام داده بودند به تفصیل به بیان اهمیت رقابت و تعقیب نفع شخصی و کمک آن به افزایش تولید و ثروت در جامعه پرداختند. مقالات زیادی هم در این زمینه همراه با ترجمه مطالب مختلف از منابع غربی در جراید ژاپن به چاپ رسید. به این ترتیب بود که فعالیت‌های بخش خصوصی در ژاپن بیش از پیش رونق پیدا کرد و با ارشاد و تشویق‌های دولت موجب پیشرفت سریع و شکوفایی اقتصادی ژاپن شد.

ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری در ژاپن

با وجود بعضی تشابهات که به آن‌ها اشاره شد، باید گفت سرمایه‌داری ژاپن دارای ویژگی‌های خاص خود است که آن را از نظام سرمایه‌داری غرب متمایز می‌کند، در اینجا به بعضی از این تفاوت‌ها می‌پردازیم:

۱. بیشتر صاحب‌نظران ژاپنی بعد از آشنایی با افکار غربی تحت تاثیر نوشته‌های فردریک لیست آلمانی قرار گرفته و اعتقاد به حمایت از صنایع داخلی پیدا کرده بودند، این تفکر هنوز هم کم و بیش در ژاپن حاکم است. آن‌ها ضمن علاقه به سازوکار بازار و آزادی تجارت، به طرق مختلف کوشش در تقویت تولیدات داخلی و حمایت از آن را دارند. این قبیل حمایت‌ها اکنون حتی در مورد محصولات کشاورزی نظیر برنج نیز اعمال می‌شود. به طوری که مساله صادرات برنج آمریکا به ژاپن مدت‌ها موضوع مورد اختلاف بین دو کشور بوده است؛

۲. هدف سرمایه‌داران ژاپن همانند هم‌تایان انگلیسی و آمریکایی خود تنها افزایش ثروت از طریق رونق تجارت نیست بلکه آنان در درجه اول خواهان

زمان نادرشاه افشار صرف جنگ‌ها و لشگرکشی‌های بی‌حاصل او شد و در دوره قاجاریه هم صرف و لخرجی‌های درباریان و عیاشی‌ها و سفرهای خارجی شاهان.

بعضی از اصلاحات مذکور که دو تا سه قرن پیش در کشور ژاپن انجام شده، هنوز هم در بخش کشاورزی ایران عمل نشده و یا به طور محدود و ناقص انجام شده است؛ به طوری که کشور ما اکنون از بزرگترین واردکنندگان تولیدات کشاورزی در دنیا به خصوص گندم محسوب می‌شود.

6. Susan Hanley, Towards an Analysis of Demographic and Economic change in Tokugawa Japan: A village Study, the Journal of Asian Studies, Vol, 31, No.3, May 1972, p. 74.

7. Thomas Smith, The Agrarian Origins of Modern Japan, Stanford, Stanford University press, 1959, p.3. Or Thomas Smith, Native Sources of Japanese Industrialization 1750 - 1920, University of California Press, L.A., 1988.

8. Daniel Spencer, Japan's Pre-perry Preparation for Economic Growth, The American Journal of Economy and Sociology, Vol. 27, January 1958, p. 3& p. 6.

9. Henry Rosovsky, Capital Formation in Japan, New York, 1981.

10. Amir Madani, Comparative Economic Systems, Tehran, Keyhan Pub. Co., 1973, pp. 137-138.

11. Susan Hanley, Towards an Analysis of ..., op. cit.

12. Thomas Smith, The Agrarian Origins..., Op. Cit. pp. 93-94.

13. Sydney Crawcour, The Tokugawa Heritage in William Lockwood (ed.), The State and Economic Enterprise in Japan, Princeton University Press, 1965, p. 31.

14. Norman Jacobs, Origin of Modern Capitalism, Hong Kong: Hong Kong University Press, p. 212.

15. Satoru Nakamura, The Development of Rural Industry, pp. Kyoto University 93-94.

16. Ibid, p. 96.

17. Ardath W. Burks, The Politics of Japan's Modernization in Robert E. Ward, (ed.), Princeton University Press. 1968, p. 561.

18. Thomas Smith, The Agrarian Origins of Modern Japan, Stanford University Press, 1959, p. 3.

19. Edwin Reischauer, The Japanese, Harvard University Press, p. 81.

20. Ardath Burks, Op.Cit, p. 561.

21. The House of Mitsui, A Record of Three century, Tokyo, 1937, p. 4.

22. Mitsui Early 17th Century in Neil S. Smith An Introduction to Some Japanese Economic writings of the 18th Century, Kyo Bun Kwan, Tokyo, 1935, p. 64.

23. James White, The Demography of Sociopolitical Conflicting Japan, 1721-1846, Berkley, The University of California Press, 1992.

24. Byron Marshall, Capitalism and Nationalism in Prewar Japan, Stanford University Press, California.

25. Frances Moulder, Japan, China and the Modern world Economy, Cambridge University Press, 1977, p.58.

26. Sydney Crawcour, The Tokugawa Heritage, Op.Cit., pp. 42- 44.

27. Byron Marshall, op.cit. pp. 57-58.

برتری بازرگانی کشورشان در بازارهای بین المللی هستند. آن‌ها همیشه براین اعتقاد بوده‌اند که هدف در درجه اول باید خدمت به کشورشان است. بنابراین انگیزه اصلی آن‌ها فداکاری در راه ژاپن است، همانطور که سربازان ژاپنی در جنگ برای سربندی کشورشان فعالیت می‌کنند. چون مردم ژاپن از کودکی یاد گرفته‌اند نفع شخصی باید تابع فعالیت‌های گروهی و نفع کل جامعه باشد. در واقع فعالیت‌های تولیدی و تجاری ژاپنی‌ها دنباله کار سامورایی‌ها در عهد توکوگاوا است که در سازمان‌های دولتی و نیروهای امنیتی به کار مشغول بوده‌اند؛

۳. در ژاپن همیشه نوعی کنترل دولتی برقرار بوده است و به همین جهت به سرمایه‌داری ژاپن سرمایه‌داری ارشادی نیز گفته می‌شود. برای مثال دولت تا دهه‌های آخر قرن نوزدهم قیمت حمل کالا را خود تعیین می‌کرد و تولید کالاهای مورد نیاز جامعه نظیر چای، موم و کاغذ مورد تشویق بیشتر قرار می‌گرفت تا نیاز به واردات برطرف شود. دولت حتی در مواقع ضروری نظیر سال‌های ۱۸۴۳، ۱۸۴۱ و ۱۸۶۰ اقدام به کنترل قیمت کالاهای اساسی نظیر برنج، روغن، سوخت و غیره کرد که البته بدون نتیجه بود چون موفق به جلوگیری از افزایش قیمت‌ها نشد؛ (۲۶)

۴. صاحبان صنایع و بازرگانان ژاپن با اینکه در دوره میجی همانند سرمایه‌داران آمریکایی و انگلیسی خواهان شرکت در تصمیم‌گیری‌های کشور بوده‌اند اما به ندرت در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داده شده‌اند. در حالی که طبقه سرمایه‌دار در کشورهای آمریکا و انگلیس نفوذ همه جانبه در مسائل سیاسی و اجتماعی کشورهايشان داشته‌اند؛ و

۵. ژاپنی‌ها برای رسیدن به اهداف خود که کسب برتری تجاری در جهان است از هر روش ممکن استفاده می‌کنند. برای مثال در دانشگاه‌ها همیشه به دانشجویان رشته‌های مختلف اقتصاد و بازرگانی گوشزد می‌شود که تجارت داخلی چندان اهمیت ندارد باید تمام تلاش‌ها متوجه توسعه بازرگانی خارجی بشود. همچنین موقع فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان، آنان تشویق می‌شوند به کشورهای دیگر سفر کنند تا همانند نظامیان که در زمان جنگ کوشش دارند موضع دشمن را به دقت زیر نظر داشته باشند در مورد طرق مختلف نفوذ ژاپن در بازارهای جهانی به بررسی و مطالعه بپردازند، و سرانجام این که صادرکنندگان موفق در ژاپن همانند ژنرال‌های پیروز در جنگ به شدت مورد احترام قرار می‌گیرند و از آنان تجلیل به عمل می‌آید، تا تاءکید مجددی بشود بر اهمیت صادرات برای اقتصاد ژاپن. (۲۷)

پی‌نوشت‌ها:

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک به: امیر باقر مدنی، «توسعه سیاسی شرط یا معلول توسعه اقتصادی است، روزنامه سلام شماره ۲۰۷۳، ۱۳۷۷/۵/۱۱، صفحه ۸».

2. John W. Hall, Japan from Prehistory to Modern Time, New York, Dell Publishing Co. INC, 1979, pp. 105-106.

3. Jeffry Mass and W. Hauser, ed., The Bakufu in Japanese History, Middle East Affairs Journal, Fall 1996, p.43.

4. Eijiro Honjo, Economic Theory and History of Japan in the Tokugawa Period, New York, Russeland Russel INC, 1965, p.98.

۵- در همان موقع، یعنی مقارن با عهد توکوگاوا، در ایران شاهان سلسله‌های افشاریه و قاجاریه حکومت می‌کردند، آن‌ها نه تنها در فکر اصلاحات مشابه آنچه در بخش کشاورزی ژاپن انجام می‌گرفت نبودند بلکه دولت مرکزی و حکام محلی تمام کوشش خود را صرف اخذ مالیات‌های سنگین از کشاورزان فقیر و بی‌پناه می‌کردند، بدون این که متقابلاً اقدامات لازم در جهت افزایش سطح تولیدات کشاورزی و بهبود وضع روستائیان انجام گیرد. درآمدهای مالیاتی در